



عفو بین الملل از
حکومت افغانستان خواست
تا از مدافعان حقوق بشر
محافظت کند

صفحه ۲

نام پولیس ملی افغانستان
از فهرست «ننگین» دبیرکل
سازمان ملل خارج شد

صفحه ۲

لیخندهای مهدی و
نپسرخندهای زندگی



صفحه ۳

هفت ماه پس از نشست ژنو؛
شرطها چه بود و تعهدات
چقدر اجرا شد؟

صفحه ۷

یادداشت روز

دستگاه اطلاع رسانی حکومت را فعال و بسیج کنید

همزمان با شدت گرفتن حملات گروه طالبان بر
ولسوالی‌های ولایات شمال افغانستان، تبلیغات
وسیع رسانه‌ای این گروه نیز بیشتر شده است.
سخن‌گویان گروه طالبان روزانه به گونه‌ی فعال و
پیوسته خبر، عکس و ویدیو را به رسانه‌ها ارسال
و یا از طریق حساب‌های شبکه‌های اجتماعی و یا
وبسایت‌های مربوطه خود هم‌رسانی می‌کنند.
به نظر می‌رسد طالبان همان‌گونه که در میدان
جنگ بیشتر فعال شده‌اند، برای پیشبرد جنگ
تبلیغاتی و رسانه‌ای نیز فعال‌تر از پیش دست به
کار شده‌اند. در روزهای اخیر دست‌کم بخشی
از محتوای شبکه‌های اجتماعی در افغانستان را
حملات طالبان، سقوط ولسوالی‌ها و در مواردی
تسلیم شدن نیروهای امنیتی و دفاعی به گروه
طالبان در بر گرفته است.

در مقابل حکومت افغانستان اما از آرایه‌های
بیشتر به رسانه‌ها و مردم در مواردی خودداری
کرده است. شماری از مقام‌های حکومتی و
سخن‌گویان ادارات مختلف این روزها به این
اکتفا کرده‌اند تا به کسانی که اخبار مرتبط به
فعالیت طالبان را...

۲

طالبان به ارزش یک میلیون دالر تأسیسات مخابراتی را در اسلام‌قلعه هرات تخریب کرده‌اند

مسئولان در ریاست مخابرات هرات می‌گویند که به دلیل انفجار تأسیسات مخابراتی در شهرک
اسلام‌قلعه این ولایت، در حدود یک میلیون دالر به این تأسیسات خسارت وارد شده است.



صفحه ۲

ترجمه ۴

تروریسم تا دو سه سال آینده چه شکلی خواهد بود؟

تروریسم کمک کند. براساس روندها و شاخص‌های
فعالی، دنیای تروریسم طی دو یا سه سال آینده متنوع‌تر،
غیرمتمرکزتر و پراکنده‌تر خواهد شد؛ با بازیگرانی که به
لطف پیشرفت در فناوری‌های نوظهور، توانمند می‌شوند.
با افزایش بی‌اعتمادی به دولت‌ها و «نظام‌های حاکم»،
اختلافات ایدئولوژیک و جزمی....

عملکرد جامعه مبارزه با تروریسم در شناسایی مشکلی که
در متن قرار دارد، به طور کلی خوب است. اما در مشاهده
گوشه‌های تاریک و پیش‌بینی روندهایی که در راه است،
عملکرد خوبی ندارد. شناسایی مشکلاتی که همین اکنون
زیر سطح جامعه جهانی جریان دارد، می‌تواند به جامعه
مبارزه با تروریسم در ترسیم تصویری از آینده‌ی نزدیک

تجزیه ۵



نامنی در هرات؛ لرزش اقتصادی، آوارگی و فرار از افغانستان

گروه طالبان در ۱۰ سرطان، ساختمان فرماندهی پولیس
ولسوالی غوریان هرات را تصرف کردند و اواسط ماه جوزا
نیز ساختمان پولیس ولسوالی زنده‌جان هرات را پس از
غارت، آتش زدند....

تجزیه

انتظار مریبار؛ هزاران پناهجوی افغان در اندونیزیا به حال خودشان رها شده‌اند

به این باور رسیده بود که افغانستان دیگر برایش وطن
نمی‌شود و برای یافتن وطن امن‌تر، هفت سال پیش
کوله‌بارش را بست و با زن و بچه‌اش راه مهاجرت در
پیش گرفت. تمام این سال‌ها او و خانواده‌اش خیره
به دروازه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در
اندونیزیا نشسته و منتظر رد و پذیرش درخواست
پناهندگی‌اش هست. او و تمام پناهجویانی که در
اندونیزیا به سر می‌برند اما همیشه یک پاسخ تکراری
می‌شنوند که «صبر داشته باشند». اما صبر بسیاری
از این پناهجویان باگذشت هر روز، ماه و سال به سر
می‌رود؛ آن چنان که تعدادی خودشان را می‌کشند.
حدود ۸ هزار پناهجو و مهاجر افغان از سال‌های
پیش به اندونیزیا رفته و برای درخواست و پذیرش
پناهندگی‌شان در...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

منتشر می‌کنند بگویند «سخنگوی طالب نشود». در مواردی هم هنگامی که طالبان ادعای تسخیر یک ولسوالی را کرده‌اند، سخنگویان نهادهای امنیتی به گفتن این که نیروهای امنیتی و دفاعی از فلان مرکز یا ولسوالی «عقب‌نشینی تکتیکی» کرده‌اند، بسنده کرده‌اند. در مواردی هم سخن مقامات حکومت یا سخنگویان حکومتی برای کاربران شبکه‌های اجتماعی تبدیل به طنز شده است.

با توجه به وضعیت جاری در کشور، این روزها این بحث بیشتر مطرح است که همزمان با شدت گرفتن جنگ، جنگ روانی و تبلیغاتی طالبان نیز بیشتر شده است و مردم و کاربران شبکه‌های اجتماعی با هم‌رسانی اخبار مربوط به فعالیت طالبان در این جنگ به طالبان کمک کرده‌اند. بدون شک طالبان با نشر اخبار مربوط به فعالیت‌های خود در پی تسخیر افکار عامه اند و پرداختن بیشتر کاربران به اخبار این گروه آنان را به اهداف شان نزدیک‌تر می‌سازد.

از طرف دیگر حکومت افغانستان و سخنگویان نهادهای امنیتی و دفاعی این روزها به نشر اخبار و تصاویر حملات هوایی و در موارد تصاویر تکراری از هواپیماهای نظامی از طریق گروه‌های واتساپ یا صفحات فیسبوکی بسنده کرده و از آرایه‌های مفصل و بیشتر به مردم و رسانه‌ها خودداری کرده‌اند. خبرنگاران و رسانه‌ها ساعت‌ها برای دریافت پاسخ ادارات و پاسخی به ادعای طالبان دنبال سخنگویان حکومت اند. پیش از شدت گرفتن حملات طالبان دست‌کم هفته یکبار مقام‌های امنیتی حکومت به‌شمول مشاور امنیت ملی در نشست خبری به رسانه‌ها معلومات می‌دادند و از برنامه‌های حکومت برای سرکوب طالبان و گروه‌های تروریستی سخن می‌گفتند. سخن این مقامات روزها و شب‌ها سرخط خبرهای رسانه‌ها بود. مدتی است این نشست‌ها نیز برگزار نمی‌شود. در چنین فضایی که حکومت سخن نمی‌زند و یا وضاحت بیشتر و مورد نیاز مردم را آرایه نمی‌کند، فرصت به طالبان بیشتر مساعد می‌شود تا بتوانند فضای رسانه‌ای و افکار عامه را به نفع خود سمت‌وسو دهند.

حکومت افغانستان همانگونه که در میدان جنگ دست بالا را دارد و با توجه به توانایی نهادهای امنیتی و دفاعی می‌تواند طالبان و یا هرگروه تروریستی دیگر را سرکوب کند، در جنگ تبلیغاتی نیز نیاز است فعالیت بیشتر داشته است. دستگاه اطلاع‌رسانی حکومت بودجه، امکانات و نیروی انسانی زیاد دارد اما در این روزها به نظر می‌رسد این دستگاه دچار ضعف شده است. نیاز است دستگاه اطلاع‌رسانی حکومت فعالانه‌تر از پیش وارد میدان شود و با آرایه‌های معلومات به موقع، دقیق و بیشتر به مردم و رسانه‌ها فرصت تبلیغاتی طالبان را محدود کند. نیرو و امکانات دستگاه تبلیغاتی حکومت که در چنین روزهایی خاموش و بی‌صدا باشد، برای کدام روز به درد خواهد خورد؟

نکته‌ی دیگر که نیاز است به‌صورت فوری در مورد آن اقدام شود و رهبری حکومت افغانستان باید به این مسأله توجه جدی و فوری داشته باشد، ایجاد یک روایت یکدست و واحد است. مردم نمی‌دانند برنامه‌ی حکومت برای مقابله با طالبان به‌صورت روشن چیست. همانگونه که در حمایت از نهادهای امنیتی و دفاعی مردم بسیج شدند و برای مقابله با طالبان همه یکدست در کنار هم ایستادند، نیاز است حکومت در بخش اطلاع‌رسانی و پیام‌رسانی نیز تیم واحد، منسجم و فعال را ایجاد کند تا بتواند همزمان با آرایه‌های اطلاعات به مردم معلومات به موقع بدهد تا فضای تبلیغاتی طالبان محدود گردیده و آرامش به جامعه باز گردد. اطلاع‌رسانی به موقع و سریع می‌تواند به مردم و نیروهای امنیتی و دفاعی انگیزه و امید بدهد تا مردم با شنیدن اخبار فعالیت طالبان دچار ترس و هراس نشوند و یا خانه‌های خود را ترک نکنند. اگر یک تیم منسجم، فعال و سخنگو ایجاد شود، می‌تواند با خلق روایت و آگاهی‌دهی فضای تبلیغاتی را نیز به نفع حکومت و جمهوری در مقابله با طالبان و امارت‌خواهی مدیریت کند.

طالبان به ارزش یک میلیون دالر تأسیسات مخابراتی را در اسلام‌قلعه هرات تخریب کرده‌اند

هم‌اکنون از انترنت «پشتیبان» به کاربران انترنت توزیع شده و به همین خاطر سرعت انترنت کاهش یافته است.

رییس مخابرات هرات مدعی است که بارها تهدیدات امنیتی در اسلام‌قلعه را با نیروهای امنیتی و دفاعی در میان گذاشته‌اند، اما کاری برای رفع این تهدیدات انجام نشده است. او افزود که تنها پاسگاه امنیتی نزدیک به تأسیسات مخابرات اسلام‌قلعه نیز برداشته شده بود.

تاکنون گروه طالبان در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند.

در این اواخر تحرکات طالبان در ولسوالی کهسان هرات به میزان چشم‌گیری افزایش یافته است.

اطلاعات روز - هرات: مسئولان در ریاست مخابرات هرات می‌گویند که به‌دلیل انفجار تأسیسات مخابراتی در شهرک اسلام‌قلعه این ولایت، در حدود یک میلیون دالر به این تأسیسات خسارت وارد شده است.

عاشق‌الله علی‌زی، رییس مخابرات هرات به روزنامه اطلاعات روز گفت که طالبان شب شنبه، ۱۲ سرطان به مدیریت مخابرات اسلام‌قلعه حمله و تأسیسات آن را انفجار دادند.

آقای علی‌زی همچنین گفت که بازسازی این تأسیسات زمان‌بر است و به همین خاطر مشکل‌کندی در سرعت انترنت برای مدت زیادی در هرات وجود خواهد داشت.

به گفته‌ی او، تجهیزات برای ترمیم تأسیسات مخابرات باید از کابل فرستاده شود و

عفو بین‌الملل از حکومت افغانستان خواست تا از مدافعان حقوق بشر محافظت کند

جنگ مورد حمله قرار گرفته و طی چند ماه گذشته تهدیدها و حملات علیه آنان افزایش یافته است.

عفو بین‌الملل افزوده است که تنها از ماه جنوری سال جاری تا کنون ۲۴ مدافع حقوق بشر در افغانستان در نتیجه‌ی حملات هدفمند، درگیری و انفجار جان‌شان را از دست داده‌اند.

براساس آمار سازمان عفو بین‌الملل، دو داکتر در ولایت‌های پروان و فراه، واکسیناتوران زن ویروس پولیو و خبرنگاران در ننگرهار و قاضیان زن در کابل در میان این کشته‌شدگان شاملند.

عفو بین‌الملل در بخشی از این اعلامیه از سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری که ریاست کمیسیون مشترک محافظت از مدافعان حقوق بشر را نیز بر عهده دارد، خواسته است که برای محافظت از افراد در معرض خطر یک سیستم ایجاد کند.



مورد حملات هدفمند قرار گرفته‌اند. عفو بین‌الملل گفته است که مدافعان حقوق بشر با وجود چالش‌های بزرگی که در برابریان قرار دارد، شجاعانه به کار خود ادامه می‌دهند. به‌گفته‌ی این سازمان، آنان مدافعان حقوق بشر از سوی طرف‌های درگیر در

کمیسیون مشترک محافظت از مدافعان حقوق بشر را ایجاد کرد، اما شش ماه پس از آن، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که پیشرفت‌ها در این زمینه اندک بوده است. عفو بین‌الملل در این اعلامیه گفته است که از آن زمان تا کنون، کارمندان صحن، حقوق بشری، مدافعان حقوق بشر و خبرنگاران

اطلاعات روز: سازمان عفو بین‌الملل از حکومت افغانستان خواسته است که از مدافعان حقوق بشر محافظت کند و از تأثیرگذاری و عملی‌بودن میکانیزم محافظت از مدافعان حقوق بشر در افغانستان نیز اطمینان بدهد.

در اعلامیه‌ی سازمان عفو بین‌الملل که دیروز (یکشنبه، ۱۳ سرطان) منتشر شده، آمده است که حملات به مدافعان حقوق بشر به گونه‌ی سریع بررسی شود. این سازمان بر محاکمه‌ی عاملان حملات به مدافعان حقوق بشر به‌صورت کامل و با رعایت معیارهای بین‌المللی تأکید کرده است.

عفو بین‌الملل گفته است که این سازمان در ماه جنوری سال گذشته‌ی میلادی در همکاری با ۳۲ نهاد مدافع حقوق بشری دیگر «استراتژی محافظت از مدافعان حقوق بشر افغانستان» را تهیه کردند.

به نقل از اعلامیه، رییس‌جمهور افغانستان در ماه دسامبر سال گذشته با صدور فرمانی،

نام پولیس ملی افغانستان از فهرست «ننگین» دبیرکل سازمان ملل خارج شد

در اعلامیه همچنین آمده است که خروج نام پولیس ملی افغانستان از «فهرست ننگین» دبیرکل سازمان ملل در نتیجه‌ی پیشرفت‌های مداوم در زمینه‌ی تطبیق برنامه‌ی عمل ملی و جلوگیری از استخدام کودکان در صفوف نیروهای امنیتی کشور حاصل شده است.

وزارت خارجه تأکید کرده است که این پیشرفت بیانگر تعهد حکومت افغانستان به ارزش‌های بین‌المللی حقوق بشری و حکومت‌داری خوب است. حکومت افغانستان ابراز امیدواری کرده است که کشورها و نهادهای بین‌المللی با واردکردن فشارهای سیاسی و وضع تحریم‌ها بر طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح، از استخدام و خشونت بر کودکان جلوگیری کنند.

اطلاعات روز: نام پولیس ملی افغانستان از «فهرست ننگین» دبیرکل سازمان ملل متحد خارج شده است. وزارت خارجه‌ی افغانستان از این تصمیم استقبال کرده است.

نام پولیس ملی افغانستان به‌دلیل حضور کودکان زیر ۱۸ سال در صفوف پولیس، در «فهرست ننگین» دبیرکل سازمان ملل قرار داشت.

در اعلامیه‌ی وزارت خارجه‌ی کشور که دیروز (یکشنبه، ۱۳ سرطان) منتشر شده، آمده است که در گزارش ۲۰۲۰ میلادی دبیرکل سازمان ملل در مورد کودکان و منازعات نظامی، تطبیق برنامه‌ی عمل پولیس ملی افغانستان در جلوگیری از استخدام و کاهش خشونت علیه کودکان، موفقیت‌آمیز خوانده شده است.

سفارت امریکا می‌گوید هیچ برنامه‌ای برای بستن این سفارت در کابل وجود ندارد



در افغانستان پایان می‌یابد، سفارت ایالات متحده به برنامه‌های کمک دیپلماتیک، بشردوستانه و امنیتی ما در افغانستان ادامه خواهد داد.

این درحالی است که اخیراً روزنامه‌ی وال‌استریت ژورنال گزارش داده بود که مقام‌های امریکایی به دلیل نگرانی از بدتر شدن اوضاع امنیتی در افغانستان که ممکن جان نیروهای باقی‌مانده و دیپلمات‌ها و سایر شهروندان این کشور را به خطر بیندازد، کار روی برنامه‌ی احتمالی تخلیه سفارت این کشور در کابل را شدت بخشیده است.

طبق این گزارش، مقام‌های امریکایی تأکید کرده‌اند که نیاز فوری برای تخلیه سفارت نیست و هنوز این برنامه نهایی نشده است، اما فوریت این برنامه همچنان مطرح است. مقام‌های امریکایی گفته‌اند که برای اجرای این برنامه، ارتش در حال هماهنگی با وزارت امور خارجه‌ی این کشور است.

اطلاعات روز: سفارت امریکا در کابل اعلام کرده است که ایالات متحده به حضور پررنگ دیپلماتیک خود در کابل ادامه می‌دهد و هیچ برنامه‌ای برای بستن سفارت خود ندارد.

سفارت امریکا دیروز (یکشنبه، ۱۳ سرطان) در رشته‌توییتی گفته است که حضور دیپلماتیک امریکا در افغانستان برای کارهایی که قرار است با دولت و مردم افغانستان انجام شود، ادامه می‌یابد.

سفارت امریکا در عین حال گفته است که درحال برنامه‌ریزی برای موارد غیرمترقبه و چگونگی کاهش خطرات به شهروندان و برنامه‌هایش است.

سفارت امریکا تأکید کرده است که از چالش‌های امنیتی در برابر فعالیتش در افغانستان آگاه است و حضور خود را در صورت لزوم برای رفع این چالش‌ها تنظیم خواهد کرد.

این سفارت گفته است که اطمینان دارد که می‌تواند کار خود را به روشی مصون و به نفع افغانستان و روابط دوجانبه انجام دهد و برنامه‌های امنیتی خوبی برای حفاظت از پرسنل و امکانات خود آماده کرده است.

سفارت امریکا در ادامه گفته است: «همان طوری که رییس‌جمهور بایدن و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه گفته اند، درحالی که حضور نظامی ایالات متحده‌ی امریکا

فعالیت قنصلگری هشت کشور در بلخ تعلیق شده و یا هم کاهش یافته است

به حالت تعلیق آورده است. کارمندان این نمایندگی هم‌اکنون از بلخ بیرون شده‌اند. از سوی هم، منیراحمد فرهاد گفت که کشورهای پاکستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و هند نیز خدمات آرایه‌ی ویزا برای افغان‌ها را متوقف کرده‌اند. او اما افزود که کارمندان و دیپلمات‌های این کشورها هم‌اکنون در بلخ اند.

سفارت پاکستان اما در اعلامیه‌ای گفته است که فعالیت قنصلگری این سفارت در شهر مزارشریف به‌گونه‌ی عادی ادامه دارد. این سفارت گفته است که تنها صدور ویزای حضوری به‌دلیل جلوگیری از شیوع کرونا متوقف است.

آقای فرهاد تأکید کرد که تصمیم کاهش و یا تعلیق کردن فعالیت قنصلگری‌های این کشورها توسط خودشان اتخاذ شده و دولت افغانستان در این مورد اعمال نفوذ ندارد. او همچنین در مورد دلیل تصمیم این کشورها در این مورد چیزی نگفت.

این درحالی است که اخیراً ناامنی‌ها در ولایت بلخ در شمال کشور افزایش یافته است. جنگ‌جویان گروه طالبان حملات‌شان را در این ولایت شدت بخشیده‌اند. این گروه تاکنون ولسوالی‌های چمتال، کشنده، دولت‌آباد، چهاربولک، زارع و کندار را سقوط داده‌اند.

اطلاعات روز: مقام‌های محلی در ولایت بلخ تأیید می‌کنند که فعالیت قنصلگری شماری از کشورها در این ولایت به حالت تعلیق درآمده و یا هم کاهش یافته است. منیراحمد فرهاد، سخن‌گوی والی بلخ دیروز (یکشنبه، ۱۳ سرطان) به روزنامه اطلاعات روز گفت که کشورهای ایران و ترکیه فعالیت قنصلگری‌های‌شان را در شهر مزارشریف، مرکز این ولایت تعلیق کرده‌اند. آقای فرهاد افزود که دیپلمات‌های این دو کشور هم‌اکنون از این ولایت رفته‌اند.

همچنین به گفته‌ی او، دیپلمات‌های روسی که در قنصلگری این کشور در گذرگاه مرزی حیرتان در بلخ مستقرند، نیز از طرف شب به سفارت این کشور در شهر ترمز ازبکستان می‌روند.

سخن‌گوی والی بلخ تأکید کرد که فعالیت قنصلگری روسیه در بلخ هم به حالت تعلیق درآمده است. او گفت که نمایندگی سیاسی آلمان در بلخ نیز فعالیت خود را



انتظار مرگبار؛ هزاران پناهجوی افغان در اندونیزیا به حال خودشان رها شده‌اند

فریضه عالمی و عابر شایگان

به این باور رسیده بود که افغانستان دیگر برایش وطن نمی‌شود و برای یافتن وطن امن‌تر، هفت سال پیش کوله‌بارش را بست و با زن و بچه‌اش راه مهاجرت در پیش گرفت. تمام این سال‌ها او و خانواده‌اش خیره به دروازه کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در اندونیزیا نشسته و منتظر رد و پذیرش درخواست پناهندگی‌اش هست. او و تمام پناهجویانی که در اندونیزیا به سر می‌برند اما همیشه یک پاسخ تکراری می‌شنوند که «صبر داشته باشند». اما صبر بسیاری از این پناهجویان با گذشت هر روز، ماه و سال به سر می‌رود؛ آن چنان که تعدادی خودشان را می‌کشند. حدود ۸ هزار پناهجو و مهاجر افغان از سال‌های پیش به اندونیزیا رفته و برای درخواست و پذیرش پناهندگی‌شان در کشور سوم در وضعیت بی‌سرنوشتی به سر می‌برند. بسیاری از آن‌ها حدود یک دهه است که در این کشور انتظار می‌کشند. این انتظار طولانی و فرساینده آن‌قدر برای این پناهجویان و مهاجران سنگین است که برخی از آن‌ها خود را حلق‌آویز می‌کنند و تعداد زیادشان درگیر بیماری‌های روانی می‌شوند.

عصمت‌الله حسنی یکی از این پناهندگانی که در سال ۲۰۱۷ در خواست پناهندگی‌اش در کمیساریای عالی سازمان ملل تأیید شده، این روزها حوصله‌اش از سر رفته است. او با خانم و دو کودک ۴ ساله و ۹ ماهه‌اش در شهر باتم اندونیزیا دست به اعتراض و دادخواهی خیابانی زده‌اند. او بیشتر از یک ماه است که وضعیت نامناسب خود را به شکل نامه می‌نویسد و آن را به نشانی مسئولان کمیساریای عالی سازمان ملل در اندونیزیا و رسانه‌ها می‌فرستد. او می‌گوید: «من و فامیلم در آخرین ملاقات با مسئولین گفتیم که پرونده‌ی ما را بررسی کنند. اگر حق پناهندگی داریم دیگر بیشتر از این نگذارند در بی‌سرنوشتی رنج ببریم. و اگر حق پناهندگی نداریم ما را در جلو رسانه‌ها دیپورت کنند. و اگر در افغانستان کشته شدیم باید جواب‌گو باشند. اما آن‌ها همچنان حرف ما را نادیده گرفتند. نمی‌دانم چه باید کرد.»

بشیر راسخ، هفت سال می‌شود که با خانم و یک فرزندش در شهر کوپانگ تیمور شرقی در نزدیکی اندونیزیا، در یک اتاق چهار متری که سازمان بین‌المللی مهاجرت در اختیارشان قرار داده، زندگی می‌کند. او در طول سال‌های اقامتش در این کشور، سختی‌های زیادی کشیده و با گذشت هر روز به مشکلاتش اضافه می‌شود. همسر او پنج سال می‌شود که افسردگی گرفته و فرزند چهارنهم ساله‌اش، مشکل اوتیسم دارد. او می‌گوید براس دسترسی به خدمات پزشکی و رفتن به بیمارستان چندبار به سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) مراجعه کرده و مشکلات‌شان را در میان گذاشته اما این سازمان همکاری نکرده است.

«از آن جایی که کوپانگ یک شهر فقیر و دورافتاده است، مهاجرین این‌جا با مشکلات فراوان روبه‌رویند. نبود خدمات صحتی و کندی روند اسکان مجدد، بلاتکلیفی و روشن‌نبودن آینده از عمده‌ترین مشکلات ماست.»

اندونیزیا از جمله کشورهایی است که کنواسیون رسیدگی به وضعیت پناهندگان را امضا نکرده و به همین سبب پناهجویان و مهاجران حق اشتغال ندارند و نمی‌توانند هزینه خدمات درمانی و آموزشی را پرداخت کنند.

به‌طور کلی پناهجویان و مهاجران افغان در اندونیزیا از لحاظ شرایط و وضعیت در سه گروه قرار می‌گیرند. یک گروه از پناهجویان و پناهندگان زیر پوشش سازمان بین‌المللی



مهاجرت و اداره مهاجرت اندونیزیا قرار دارند که در ۹ کمپ در شهرهای مختلف این کشور زندگی می‌کنند و برای‌شان غذا و خدمات درمانی فراهم می‌شود. گروه دوم زیر نظر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در جاکارتا و شهرهای حومه آن زندگی می‌کنند. این گروه تحت پوشش نیمه‌حفاظتی سازمان‌های خیریه و سازمان ملل قرار دارند و به‌طور نسبی از مخارج زندگی و خدمات درمانی برخوردارند. گروه سوم با هزینه شخصی به‌طور مستقل در هتل‌ها، خانه‌ها و اتاق‌های شخصی زندگی می‌کنند و از هیچ نوع خدمات برخوردار نیستند. اما همه گروه‌ها در یک مورد نقطه مشترک دارند؛ انتظار بی‌پایان، بی‌سرنوشتی و آینده مبهم. این انتظارهای فرساینده و طولانی سبب شده که تعدادی از این پناهجویان و مهاجران دست به خودکشی بزنند. براساس آخرین گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل که در ماه نوامبر ۲۰۲۰ منتشر شده، در مجموع ۱۳ مورد خودکشی در بین تمام مهاجران و پناهجویان در اندونیزیا ثبت شده که ۱۲ نفر آن‌ها اهل افغانستان بوده‌اند.



طبق این گزارش بیشترین رقم این خودکشی‌ها از سال ۲۰۲۰ به بعد اتفاق افتاده است. در کنار خودکشی، بیماری‌های روانی و از جمله افسردگی در نزد پناهجویان و پناهندگان بسیار شایع است. یکی از آن‌ها رجب‌علی محمدی است که ۹ سال می‌شود که در این کشور دور از خانواده‌اش زندگی می‌کند. زندگی در بی‌سرنوشتی، آینده مبهم و دوری از خانواده و مشکلات اقتصادی باعث شده او درگیر مشکلات روانی شود. او هر باری که به کمیساریای سازمان ملل مراجعه می‌کند و از مشکلات و بلاتکلیفی‌اش می‌گوید، این سازمان نیز تذکره‌های مشابهی می‌دهد؛ این که باید صبور باشند.

«از نگاه جسمی و روحی همه‌ی پناهجویان و پناهندگان مشکل روانی دارند. بی‌سرنوشتی آدم را زجر می‌دهد. ۹ سال شد که سازمان ملل هیچ نوع کمک و جواب درست در خصوص مشکلات و سرنوشت من نداده است. از سازمان ملل می‌خواهیم که به پناهندگان توجه کند و سرنوشت‌شان را مشخص کند. حداقل به ما بگویند تا چه وقت باید در این کشور بمانیم.»

سلمان ناصری هم بیشتر از هشت سال می‌شود در اندونیزیا زندگی می‌کند و در آن‌جا مبتلا به بیماری‌های روانی و جسمی شده است. می‌گوید که شب‌ها از درد شانه و گردن خواب نمی‌رود و فقط یک‌بار او را به بیمارستان برده‌اند.

وزارت امور مهاجرین افغانستان به روزنامه اطلاعات روز همان‌گونه که در افغانستان قتل عام می‌شویم و هیچ‌کس جواب‌گو نیست، در دیار مهاجرت زیر نظر سازمان ملل همچنان نادیده گرفته می‌شویم. کس پاسخ‌گو نیست و این نهایت دردآور است. ما از همه‌ی آن‌هایی که خود را حامیان حقوق بشر می‌نامند ناامید شده‌ایم. سازمان ملل ما را فراموش کرده است.

لبخندهای مهدی و نیشخندهای زندگی

بخوابیم و خواب‌های شیرین ببینیم.»

مهدی دو سال را با کمترین پول ممکن در کابل تاب می‌آورد و درس‌هایش را می‌خواند. در سال سوم پی‌می‌برد که اگر کاری پیدا نکند، دیگر نمی‌تواند در این شهر ادامه بدهد. جست‌وجوهایش او را با صاحب یک کتابفروشی در پل سرخ آشنا می‌کند. چند روز بعد مرد کتابفروشی به مهدی زنگ می‌زند و می‌گوید برایت کاری پیدا کرده‌ام، اما کار در یک مرغفروشی است. وظیفه‌ی تو این است که در کشتن و فروختن مرغ‌ها به دکاندار کمک کنی. معاشت هم ۵ هزار افغانی است. مهدی با خوشحالی و بدون تأخیر کار را قبول می‌کند با این حرف که کار، کار است، فرق نمی‌کند که چه کاری باشد و یا در کجا باشد.

فردا وقتی مهدی به کتابفروشی مراجعه می‌کند، مرد کتابفروش خوشحال‌ترش می‌کند. این‌بار می‌گوید، راستش کار تو مرغفروشی نیست، کتابفروشی است. به این خاطر مرغفروشی گفتم که بدانم چقدر برای کار کردن انگیزه داری و حالا که پر از انگیزه‌ای، همین کتابفروشی محل کارت هست... خلاصه مهدی کتابفروش می‌شود. دو سال کتابفروشی می‌کند. کار در کتابفروشی راه دوستی با کتاب‌ها و آدم‌های زیادی

را به رویش باز می‌کند، اما وقتی ویروس کرونا از راه می‌رسد و راه‌های زیادی، حتا در خانه‌ها را به روی مردم می‌بندد، مهدی کارش را از دست می‌دهد. در آن زمان چیزی جز یک دوچرخه و یک موبایل در زندگی ندارد. با اتکا به همان دوچرخه و با استفاده از همان موبایلش در بنبوچه‌ی روزهای کرونایی و خانه‌نشینی فروشگاه آنلاین «نیکبخت» راه‌اندازی می‌کند.

کم‌وبیش یک سال می‌شود که مهدی فروشگاه آنلاین «نیکبخت» را با چرخ‌های دوچرخه‌اش می‌چرخاند. در واقع تمام دارایی فروشگاه نیکبخت به یک دوچرخه خلاصه می‌شود و به یک صفحه‌ی فیسبوکی. مهدی از طریق صفحه‌ی فیسبوک محصولاتش را که عبارتند از کتاب، میز و چراغ مطالعه، ساخته‌های دست‌باف، صنایع چوبی و عسل تبلیغ می‌کند. هر گاه کسی زنگ بزند و یکی از این چیزها را سفارش بدهد، آن‌گاه مهدی بر ترک دوچرخه‌اش سوار می‌شود و با بیشترین سرعت رکاب می‌زند به سمت مغازه‌هایی که با آن‌ها قراردادهای نانوشته و مبتنی بر شناخت و اعتماد دارند. مثلا کسی اگر زنگ می‌زند و کتاب سفارش می‌دهد، مهدی فوری می‌آید به کتابفروشی‌های مارکت ملی. از آن‌جا کتاب مورد نظر را می‌گیرد و به سمت آدرس سفارش‌دهنده

می‌گوید که دولت افغانستان تا اکنون در عرصه مدیریت پناهجویان افغان که در کشورهای اندونیزیا، ترکیه، یونان و هند به سر می‌برند و از این کشورها فقط به‌عنوان مسیر عبوری استفاده می‌کنند، هیچ برنامه‌ای نداشته است. رضا باهر، معاون سخنگوی وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان افغانستان می‌گوید که این وزارت برای بهبود شرایط و حل مشکلات پناهندگی پناهجویان افغان جدیداً وارد مذاکره با کشورهای عمده که این پناهجویان در آن به سر می‌برند و همچنان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و سازمان بین‌المللی مهاجرت شده‌اند: «وزارت برای رسیدگی به مشکلات مهاجران افغان در این اواخر با هند و ترکیه مذاکره‌ای داشت. سال قبل هم با یونان مذاکره داشتیم. در اندونیزیا نیز ما قصد داریم که یک نمایندگی وزارت را داشته باشیم. و همچنین مذاکرات رسمی با دولت اندونیزیا داشته باشیم. به‌علاوه، ما همواره از بخش پناهندگان سازمان ملل خواستیم که در زمینه‌ی پذیرفتن مهاجران افغان و انتقال مهاجران آن‌ها در کشورهای سوم که پذیرفته شده‌اند، با ما همکاری داشته باشند. متأسفانه ما در این عرصه از دولت اندونیزیا و سازمان ملل جواب مشخص دریافت نکردیم.»

آقای باهر تأکید می‌کند که امسال هیأتی از وزارت امور مهاجرین افغانستان به اندونیزیا سفر خواهد داشت و خواست‌شان از دولت اندونیزیا و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل این است که یا پناهجویان افغان را به افغانستان برگردانند و یا در اندونیزیا اقامت دائمی داده و زمینه اشتغال را برای‌شان فراهم کنند.

بر پایه گزارش ماه نوامبر ۲۰۲۰ کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، ۱۳ هزار و ۷۴۵ پناهنده به ترتیب از کشورهای افغانستان، سومالی، میانمار، عراق و سودان در ۱۳ کمپ در شهرهای مختلف اندونیزیا زندگی می‌کنند و منتظر دریافت پناهندگی از چهار کشور استرالیا، امریکا، نیوزلند و کانادا هستند. در طی دو سال گذشته روند پذیرش پناهندگی و اسکان مجدد در استرالیا و نیوزلند خیلی کم شده است، طوری‌که در سال ۲۰۲۰ فقط ۴۱ نفر به استرالیا اسکان مجدد شده‌اند.

این پناهجویان و پناهندگان از دولت‌ها و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد می‌خواهند که به مشکلات مالی، بهداشتی و افزایش روند بررسی درخواست پناهندگی و اسکان مجددشان به کشور سوم، رسیدگی کنند. آن‌ها می‌گویند راه برگشتی به کشور افغانستان ندارند و همه از روی مجبوری راه مهاجرت را در پیش گرفته‌اند.

بشیر راسخ، عضو نیروی ویژه‌ی ارتش افغانستان بوده و می‌گوید که مدت قانونی سربازی‌اش را ختم کرده و به دلایل امنیتی دیگر قادر به ادامه زندگی در افغانستان نبوده است. عصمت‌الله حسنی در ولایت غزنی افغانستان یک خواننده محلی بوده و می‌گوید پس از آن‌که طالبان او را تهدید به مرگ کرد و همکارش دلشاد یک خواننده محلی دیگر را در سال ۲۰۱۶ از مسیر جاعوری-غزنی ربوده و بعداً کشتند، مجبور شد افغانستان را ترک کند.

«همان‌گونه که در افغانستان قتل عام می‌شویم و هیچ‌کس جواب‌گو نیست، در دیار مهاجرت زیر نظر سازمان ملل همچنان نادیده گرفته می‌شویم. کس پاسخ‌گو نیست و این نهایت دردآور است. ما از همه‌ی آن‌هایی که خود را حامیان حقوق بشر می‌نامند ناامید شده‌ایم. سازمان ملل ما را فراموش کرده است.»

کابل نان

رکاب می‌زند. معمولاً در هفته یک یا دو سفارش بیشتر نمی‌گیرد. به ندرت اتفاق می‌افتد که سفارش‌های بزرگتری بگیرد. اکثر سفارش‌ها به یک جلد کتاب و یا یک مرتبان عسل خلاصه می‌شود. به همین خاطر از هرنوع سفارش بیشتر از صد افغانی برایش نمی‌ماند، مبلغ ناقابل‌ی که کمتر از خرچی روزانه‌ی یک کودک مکتبی است، ولی یک سال است که مهدی ۲۴ ساله با همان مبلغ روزگار دانش‌جویی‌اش را می‌گذراند. در چنین روزگاری هیچ‌کس بهتر از مهدی معنای این جمله‌ها را نمی‌فهمد: «زندگی مثل دوچرخه‌سواری نامتعادل است، اگر پای زنی، می‌افتی.»

اکنون که ابر سیاه جنگ روزبه‌روز سایه‌ی سیاه‌تری بر شهر کابل می‌افکند، مهدی احساس مورچه‌ای را دارد که ته یک دره‌ی سیلاب‌خیز راه خانه‌اش را گم کرده باشد، اما همچنان به رویش نمی‌آورد و به روی زندگی لبخند می‌زند، در عوض زندگی انگار با نیشخند پاسخش را می‌دهد. این نیشخند زمانی به‌وضوح قابل فهم است که علی‌رغم امیدواری مهدی، هفته‌به‌هفته سفارش‌هایش کمتر می‌شود، دلوپاسی‌هایش بیشتر و لبخندهایش کم‌رنگ‌تر.

این‌جا کابل جان است.

کالین کلارک و راشا العقیدی
مترجم جلیل پژواک

خشونت‌بار راست افراطی در بسیاری از کشورهای غربی به سرعت رشد کرد. اکنون، تهدیدی که از جانب برتری طلبان خشن سفیدپوست، نئونازی‌ها و شبه‌نظامیان ضدحکومت متوجه جهان است، غیرقابل چشم‌پوشی شده است. حملات ناشی از نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی، یهودستیزی و برتری طلبی سفیدپوست‌ها، به طرز چشم‌گیری افزایش یافته است، به طوری که شاخص جهانی تروریسم گزارش داد که بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۸ حملات تروریستی راست افراطی ۳۲۰ درصد افزایش یافته است. این حملات بیشتر در امریکای شمالی، اروپای غربی و اقیانوسیه متمرکز است. اسلو، کریست‌چرچ، پیتمسبورگ، ال پاسو و سایر شهرها همه صحنه حملات تروریستی خشن راست افراطی بوده‌اند. افراط‌گرایان خشن راست افراطی شبکه‌های فراملی ایجاد کرده‌اند و گروه‌هایی مانند گروه نئونازی Atomwaffen Division، گروه نفرت The Base و گروه نژادپرست، سفیدپوست و شبه‌نظامی راست افراطی Russian Imperial Movement، دیگر پنهان و راز نیستند.

علاوه بر تهدید تروریستی که از جانب جهادگرایان و افراط‌گرایان خشن راست افراطی متوجه جهان است، و هر دو هم برای دولت‌ها چالش باقی خواهد ماند، جهان احتمالاً شاهد افزایش خشونت‌ها با انگیزه سیاسی و ایدئولوژیک (عقیدتی) در میان سایر جنبش‌ها نیز خواهد بود. همچنین این احتمال وجود دارد که همه‌گیری کووید ۱۹، اشکالی از افراط‌گرایی مانند خشونت چپی را که مدت‌ها فروکش کرده بود، نیز احیا کند. تحت تأثیر رکود اقتصادی قریب‌الوقوع و اقدامات سخت‌گیرانه مرتبط به آن که ناگزیر اجرایی خواهد شد، افراد و گروه‌هایی که از نابرابری اقتصادی-اجتماعی به ستوه آمده‌اند و از حرص و آز شرکت‌ها به خشم، امکان دارد دست به اقدامات خراب‌کارانه و خشونت‌بار بزنند تا توجه جهانیان را به پیام خود برای جهان جلب کنند.

اواخر دهه ۱۹۷۰، گروه‌های چپ مانند «جناح ارتش سرخ» با ربودن صنعت‌گران ثروتمند تلاش کردند برای اهداف خود جلب توجه کنند. بدرفتاری با حیوانات، مسأله‌ای که مدت‌ها نزد گروه‌های چپ مطرح بوده است، به‌عنوان عامل شیوع بیماری‌های واگیردار مانند کووید ۱۹ مورد بحث این گروه‌هاست. براین اساس، شیوع بیماری‌ها و موارد مشابه آن در سال‌های آینده بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، مفهوم افراط‌گرایی متقابل نشان می‌دهد که رشد افراط‌گرایی راست افراطی با رشد افراط‌گرایی چپ افراطی روبه‌رو خواهد شد. به عبارت دیگر، گروه‌های افراطی لفاظی یکدیگر و در مواردی اعمال خشونت‌آمیز یکدیگر را دامن می‌زنند.

انگیزه بالقوه دیگر برای رشد تروریسم چپ، سناریویی است که در آن تعداد زیادی از افراد به دلیل ناتوانی یا عدم تمایل دولت‌هاشان برای مقابله با تغییرات اقلیمی، به‌طور فزاینده رادیکال می‌شوند. این لزوماً پدیده جدیدی نخواهد بود، بلکه بازگشت به دهه ۱۹۹۰ خواهد بود که در آن گروه‌هایی مانند «جبهه آزادی‌بخش زمین» تهدید تروریستی جدی تلقی می‌شدند. در مکزیک، گروهی موسوم به Individualidades Tendiendo a lo Salvaje که آمیزه‌ای از محیط زیست‌گرایی افراطی و ایدئولوژی آنارشیستی است، حریق‌های عمدی سطح پایین، حملات با بمب دست‌ساز و ترورها را انجام داده است. این گروه که نامش به سختی به «افرادی که به طبیعت می‌رسند/رسیدگی می‌کنند» ترجمه می‌شود، در سال ۲۰۱۱ با الهام از ایدئولوژی شبهه جهان‌بینی نئو-لادیت «تد کریسنسکی» ایجاد شد اما خیلی زود اصل انقلابی خود علیه فناوری جهانی را

عملکرد جامعه مبارزه با تروریسم در شناسایی مشکلی که در متن قرار دارد، به طور کلی خوب است. اما در مشاهده گوشه‌های تاریک و پیش‌بینی روندهایی که در راه است، عملکرد خوبی ندارد. شناسایی مشکلاتی که همین اکنون زیر سطح جامعه جهانی جریان دارد، می‌تواند به جامعه مبارزه با تروریسم در ترسیم تصویری از آینده‌ی نزدیک تروریسم کمک کند. براساس روندها و شاخص‌های فعلی، دنیای تروریسم طی دو یا سه سال آینده متنوع‌تر، غیرمتمرکزتر و پراکنده‌تر خواهد شد؛ با بازیگرانی که به لطف پیشرفت در فناوری‌های نوظهور، توانمند می‌شوند. با افزایش بی‌اعتمادی به دولت‌ها و «نظام‌های حاکم»، اختلافات ایدئولوژیک و جزمی، اگر بین افراط‌گرایان و گروه‌های تروریستی وجود داشته باشد، و اگر گروه‌های موردنظر تهدید وجودی برای یکدیگر تلقی نشوند، به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد. این امر گروه‌ها و افراط‌گرایان را و می‌دارد تا مدام «خرد متعارف» خود یا این اصل در بین گروه‌های تروریستی که «من و تنها من برحق‌ترینم» را زیر سوال ببرند. در آن صورت است که ایران، یک دولت کاملاً شیعی، می‌تواند از گروه‌های تروریستی سنی مانند حماس، جهاد اسلامی فلسطین، طالبان و حتا القاعده حمایت کند. سفیدپوستان برتری طلب ممکن است از مسلمانان متنفر باشند، اما همچنان دل‌بستگی شدید به گروه‌هایی مانند داعش داشته باشند و به میل شدید جهادگرایان به خشونت شدید، فتیش ورزند.

گزارش شورای اطلاعات ملی ایالات متحده درباره «روندهای جهانی ۲۰۴۰» که ماه مارچ منتشر شد، خاطر نشان می‌کند که «بخش‌های بزرگی از جمعیت جهان نسبت به نهادها و دولت‌هایی که از نظر آن‌ها مایل یا قادر به رفع نیازهاشان نیستند، بیزار می‌شوند. مردم در حال جذب شدن به گروه‌های خودی و هم‌فکر برای اجتماع و امنیت هستند. آن‌ها از جمله پیرامون هویت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی و همچنین پیرامون منافع و اهداف، مانند حمایت از محیط‌زیست، گردهم می‌آیند.» این، سرآغازی برای افزایش تروریسم و خشونت‌های افراط‌گرایانه در سراسر جهان است، زیرا قبیله‌گرایی در جوامع ریشه می‌دواند و روایت‌ها، گروه‌های «دیگر» را از نظر تهدیدهای وجودی که گروه‌های موردنظر برای امنیت و بقای گروه «خودی» دارند یا ندارند، تعریف می‌کند. باوجود اختصاص پول و منابع هنگفت برای مبارزه با تروریسم، نظام‌ها و حکومت‌ها عمدتاً آمادگی لازم برای آینده‌ی مبارزه با تروریسم را ندارند.

ظهور افراط‌گرایی راست افراطی

طی دو دهه گذشته، دستگاه امنیت ملی ایالات متحده بر مبارزه با گروه‌های جهادی فراملی مانند القاعده و دولت اسلامی (داعش) و همچنین گروه‌های وابسته به این دو گروه مادر، متمرکز بوده است. حملات ۱۱ سپتامبر روان ایالات متحده را نابود کرد. در پاسخ، ایالات متحده جنگ ناموفق و بدنام‌گذاری شده «جنگ جهانی علیه تروریسم» را آغاز کرد.

با حمله آمریکا به افغانستان و عراق برای شکار تروریست‌ها و شورشیان در گوشه‌های دوردست این کشورها، مبارزه با تروریسم جایگزین استراتژی کلان شد. اصطلاحاتی مانند «دولت‌های ناکام» و «قلمروهای بی‌دولت» آجنده‌ی امنیت بین‌المللی را فراگرفت. تا اواخر سال ۲۰۱۹، مأموریت‌های ضدتروریسم ایالات متحده در حدود ۶۵ کشور جهان جریان داشت. اما درحالی‌که واشنگتن و متحدانش با نیروهای ویژه و هواپیماهای بدون سرنشین خود سرگرم شکار گروه‌های جهادی بودند، افراط‌گرایی



تروریسم تا دو سه سال آینده چه شکلی خواهد بود؟

به طور کل، به ویژه با فراگیرتر شدن هوش مصنوعی و افزایش نگرانی درباره رباتیک به‌عنوان عامل از دست‌دادن شغل، در قالب جنبشی بزرگ متحد شوند و افراد منزجر را وادار به انجام اقدامات خشونت‌آمیز کنند. مسأله ۵ جی نزد بسیاری جنبش‌های توطئه دیگر از جمله «کیوانان» مطرح است.

پس از حملات ۶ جنوری به ساختمان کنگره، کیوانان به عنوان تهدید احتمالی برای امنیت ملی ایالات متحده ظاهر شده است. آن‌چه به‌عنوان «میم» آنلاین آغاز شد و نظریه‌های توطئه را تبلیغ می‌کرد، به جنبشی تبدیل شده است که بارها به خشونت در دنیای واقعی دامن زده است، مانند حمله دسامبر ۲۰۱۶ بر یک پیترافروشی در واشنگتن دی.سی. کیوانان اخیراً از ناراضی‌ها و نگرانی‌های مشروع در مورد مسأله‌ی همچون قاچاق انسان و استثمار کودکان، به نفع خود استفاده کرده است. این جنبش ایدئولوژیک برای آن‌چه که می‌توان بی‌کفایتی دولت‌ها در رسیدگی به تعدادی افت‌ها در جامعه تلقی کرد، توضیحی گمراه‌کننده ارائه می‌دهد. کیوانان می‌گوید که دولت فدرال ایالات متحده، یا به قول اعضای این جنبش «سیستم»، به عنوان به اصطلاح «دولت پنهان» عمل می‌کند و در آدم‌ربایی‌ها،

راست‌گرایان افراطی نیز وجود دارد. در پدیده‌ای که برخی آنرا «سبز شدن سفیدپوستان برتری طلب» برچسب زده‌اند، اکوفاشیست‌ها به طور فزاینده‌ای به مقابله با تغییرات اقلیمی علاقه نشان داده‌اند. این ایدئولوژی از اهداف کلاسیک راست افراطی از جمله مهاجرت‌ستیزی، در راستای یک هدف چپ افراطی معمول، یعنی حفاظت از محیط زیست، بهره می‌جوید. هم در مانیفست تروریست کریست‌چرچ و هم در مانیفست تروریست ال پاسو، عناصر اکوفاشیسم وجود داشت. همچنین، برای این گروه‌های افراطی پتانسیلی واقعی برای مشارکت در انگیزه‌های دیگر از جمله انگیزه‌هایی وجود دارد که به طریقی با مسأله‌ی مانند شهرنشینی، سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی، مادی‌گرایی، مدرنیزاسیون، صنعتی‌سازی و پیشرفت فناوری ساز مخالف می‌نوازد.

جوامع آنلاین افراطی

نظریه‌پردازان توطئه فناوری بی‌سیم ۵ جی را به عنوان علت شیوع کووید ۱۹ تبلیغ می‌کنند. در سراسر جهان، از ایالات متحده تا هلند و فراتر از آن، افراد و گروه‌های کوچک برج‌ها و زیرساخت‌های مخابراتی را هدف قرار داده‌اند. این انزجار از ۵ جی می‌تواند در کنار انزجار نسبت به فناوری

کنار گذاشت و مفاهیم بوچ‌گرایی مطلق را اتخاذ کرد. این گروه به دانشمندان نانو، برج‌های مخابراتی و آزمایشگاه‌ها حمله کرده است و نیروی انتظامی تاکنون در بازداشت اعضای آن ناکام بوده است. در برزیل، گروه افراط‌گرای طرفدار محیط زیست موسوم به Sociedade Secreta Silvestre یک زودپز پر از تکه‌های فلز را در جلوی یک مرکز خرید در برازیلیا منفجر کرد و نیز تهدید کرد که بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ را هدف قرار می‌دهد.

اگر خواسته‌های گروه‌های در حال حاضر غیرخشن طرفدار محیط زیست یا حقوق حیوانات برای تغییر سیاست کشورها، همچنان نادیده گرفته شود، ممکن است این نادیده‌گرفتن‌ها گروه‌ها را به خشونت سوق دهد. حتا تعداد کمی از افراد ناراضی متعهد به استفاده از خشونت برای جلب توجه به هدفشان - هدفی که احتمالاً خواسته افراد زیادی است - می‌توانند جامعه را بی‌ثبات کرده و خشونت‌های بیشتری ایجاد کنند. با توجه به ماهیت فراملی تروریسم در سال ۲۰۲۱، احتمانه است این احتمال را نادیده بگیریم که تروریست‌های چپ‌گرا نیز روابط و وابستگی‌های فراملی ایجاد کنند و آنرا

نگرانی‌های زیست‌محیطی در نزد

با افزایش بی‌اعتمادی به دولت‌ها و «نظام‌های حاکم»، اختلافات ایدئولوژیک و جزمی، اگر بین افراط‌گرایان و گروه‌های تروریستی وجود داشته باشد، و اگر گروه‌های موردنظر تهدید وجودی برای یکدیگر تلقی نشوند، به تدریج اهمیت خود را از دست می‌دهد. این امر گروه‌ها و افراط‌گرایان را و می‌دارد تا مدام «خرد متعارف» خود یا این اصل در بین گروه‌های تروریستی که «من و تنها من برحق‌ترینم» را زیر سوال ببرند.



نامنی در هرات؛

لرزش اقتصادی، آوارگی و فرار از افغانستان

■ واجد روحانی

گروه طالبان در ۱۰ سرطان، ساختمان فرماندهی پولیس ولسوالی غوریان هرات را تصرف کردند و اواسط ماه جوزا نیز ساختمان پولیس ولسوالی زنده‌جان هرات را پس از غارت، آتش زدند. با افزایش حملات طالبان در غوریان و زنده‌جان، دو ولسوالی نزدیک به شهر هرات، نگرانی‌ها مبنی بر گسترش جنگ به مرکز شهر افزایش یافته است.

همچنین طی روزهای اخیر، شهرک مرزی اسلام‌قلعه در ولسوالی کهسان هرات نیز در تیررس حملات طالبان قرار گرفته است. ویدیوها و عکس‌هایی منسوب به جنگ‌جویان گروه طالبان در شهرک اسلام‌قلعه به نشر رسیده که نشان می‌دهد آنان در بخش‌هایی از این شهرک حضور دارند. رانندگان موترهای باربری در مسیر شاهراه هرات-اسلام‌قلعه روز پنج‌شنبه، ۱۰ سرطان مدعی بودند که برای بیش از پنج ساعت این مسیر به روی ترافیک مسدود بود.

اسلام‌قلعه، یکی از مهم‌ترین بنادر کشور برای ورود کالاهای وارداتی ایران به افغانستان است. اتاق صنایع و معادن هرات هشدار می‌دهد که افزایش نامنی‌ها در اسلام‌قلعه، افزون بر کاهش واردات، قیمت مواد وارداتی را به میزان چشم‌گیری در بازار افزایش خواهد داد. یکی از دلایل افزایش نامنی‌ها، کمبود تشکیلات نیروهای دولتی به‌ویژه پولیس است. کامران علیزایی، رییس شورای ولایتی هرات در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که بیش از یک‌هزار تن در تشکیل پولیس کمبود است و باید جوانان هرات برای مقابله با طالبان به صفوف نیروهای پولیس بپیوندند.

او هشدار می‌دهد که حمله‌ی گسترده طالبان به شهر هرات در شرایط کنونی که ایست‌های بازرسی در دروازه‌های ورودی شهر کم است، به‌دور از امکان نیست: «تنها مشکلی که نیروهای امنیتی ما دارند، مورال و روحیه‌شان در مقابل دشمن کم شده است و تا زمانی که مقام‌های ارشد به خط نخست جنگ نروند، مورال این نیروها بیش‌تر نمی‌شود.»

عبدالصبور قانع، والی هرات در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که عملیات برای پاک‌سازی ولسوالی‌های کهسان [اسلام‌قلعه] و غوریان جریان دارد و تحرکات طالبان در زنده‌جان خنثا شده است.

او به هراتیان اطمینان می‌دهد که به‌عنوان رییس شورای نظامی هرات در راستای تأمین امنیت تلاش خواهد کرد: «فراموش نکنید که در جنگ هستیم. طالب به‌شکل وقفه‌ای حضور پیدا می‌کند و یک جنایت می‌کند. نیروهای امنیتی عملیات طالبان را سرکوب می‌کنند. نیروهای امنیتی و دفاعی توان حفظ ساحات را دارند.» والی هرات می‌گوید که طالبان با عملیات چریکی دست به نامنی‌ها می‌زنند، اما بیش‌تر این حملات به شکست مواجه شده است.

خانواده‌ی سرباز پیشین، آواره‌ی پارک‌ها

عبدالرحیم، سرباز پیشین ارتش ملی در ولسوالی اوبه، با همسر و فرزندش شب و روزش را در پارک‌های هرات می‌گذرانند. او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که پس از فشار طالبان، حدود یک ماه می‌شود که زادگاهش را ترک کرده و حالا به‌شکل آواره در شهر زندگی می‌کند. او روایت می‌کند که شب و روز را در پارک‌ها و با تکدی‌گری از مردم به سختی سپری می‌کند. او تنها یک درخواست از حکومت دارد: دادن سرپناه موقت.

بیش از دو هفته می‌شود که ولسوالی اوبه به‌دست طالبان سقوط کرده و در شرایطی که طالبان سوار بر موج نامنی‌ها هستند، وی را با رفتن به اوبه، با شلیک گلوله هدف قرار خواهند داد: «طالبان به من هشدار داده بودند که من را به‌دلیل عضویت در ارتش ملی می‌کشند و من هم ترسیدم به هرات آمدم. حالا دوباره نمی‌توانم که به اوبه بروم.»

عبدالرحیم، ۱۳ سال سابقه خدمت در نیروهای ارتش ملی در ولایت‌های کتر و هرات را دارد، اما حالا از پیوستن به ارتش

مجازی به بازیگران غیردولتی در تأمین مالی عملیات‌هاشان کمک خواهد کرد، و روش‌های پیشرفته‌تر رمزگزاری، ارتباط و تماس بین تروریست‌ها را آسان‌تر خواهد کرد. و گروه‌های بیشتری از آن و از مدل پلان‌گذاری مجازی و مدیریت آنلاین حملات تروریستی داعش، استفاده خواهند کرد. افراد یا گروه‌هایی که مهارت‌های فنی فوق‌العاده بالا دارند، حتی ممکن است بتوانند از قدرت هوش مصنوعی به‌عنوان «ظرفیت‌های نیروافزا» در حملات و عملیات‌های خود استفاده کنند.

ایالات متحده درحالی‌که برای مقابله با چالش‌های رقابت قدرت‌های بزرگ آماده می‌شود، سعی کرده از امر مبارزه با تروریسم به عنوان اصل سازمان‌دهی جامعه امنیتی کشور دور شود. اما مبارزه با تروریسم و رقابت در میدان قدرت‌های بزرگ، از یک‌دیگر جدا نیستند. در واقع، در بسیاری موارد، هم‌گرایی بین این دو، مقابله با آن‌ها را چالشی‌تر می‌سازد، و همچنین، ممکن است به افزایش تروریسم موردحمایت دولت منجر شود؛ که این خود بازگشت به درگیری‌های نیابتی در جریان جنگ سرد است.

برای مهار ایدئولوژی‌های خشن یا جلوگیری از گسترش حمایت از گروه‌های تروریستی و برای تدوین سیاست‌های پیش‌گیرانه لازم و کافی، ایالات متحده باید به نشانه‌هایی که در گوشه‌های دورافتاده کشورهای دیگر مشاهده می‌شود، توجه کند و درس‌های آن‌را بیاموزد. مهم‌ترین این درس‌ها، توجه به نشانه‌ها و زنگ‌های اولیه نژادپرستی، فرقه‌گرایی یا انواع دیگر تبعیض علیه گروه‌های خاص جامعه است. مسائلی همچون ایدئولوژی‌های میزسالادی با چارچوب‌های تحلیلی شسته و رفته جور در نمی‌آید. مفاهیمی مانند سیالیت حاشیه‌ها به این معنا است که برای افراط‌گرایان خشن، پذیرفتن جنبه‌هایی از دو ایدئولوژی رقیب، مانند نئونازیسم و اسلام‌گرایی ستیزه‌جو، کاملاً امکان‌پذیر است.

تحلیل‌گران مبارزه با تروریسم باید از لاک تحلیلی امن خود خارج شوند. برای این کار، فرضیات دیرینه را زیرسوال ببرند و از تفکر گروهی که اغلب ارزیابی‌های اطلاعاتی یک جامعه را آفت‌زده می‌کند، پرهیز کنند. البته این کار نیز مستلزم شناخت عمیق از نحوه آموزش، جلب و جذب (سربازگیری) و فعالیت گروه‌های تروریستی است. اما به کنجکاوی فکری، درک این‌که یک ایدئولوژی می‌تواند قابل‌انعطاف باشد، و همچنین توانایی تشخیص خط روند‌ها - قبل از آنکه خط روند به خط گسل و خود روند به خط تبدیل شوند - نیز بستگی دارد. دکتر کالین کلارک رییس سیاست و پژوهش گروه *The Soufan* است. پژوهش وی بر تروریسم داخلی و فراملی، امنیت بین‌الملل و ژئوپلیتیک متمرکز است. او عضو هیئت تحریریه سه *Journal of Terrorism Studies* است: *Journal of Terrorism Studies in Conflict and Terrorism*، *Journal of Terrorism and Political Violence* و *Perspectives on Terrorism*. دکتر کلارک بارها در کنگره به عنوان شاهد خبره در خصوص طیف وسیعی از مسائل مرتبط با تروریست شهادت داده است و چندین کتاب درباره تروریسم منتشر کرده است. آخرین کتاب وی «*After the Caliphate: The Islamic State and the Future of Terrorist Diaspora*» است.

رشا العقیدی تحلیل‌گر ارشد و رییس برنامه «بازیگران غیردولتی» واحد امنیت بشری انستیتوت نیولاینز است. او پیش از این سردبیر «رفع صوتک» بود، پلتفرم مستقر در ایالات متحده که جوامع پسا جنگ را در عراق و سوریه بررسی می‌کند. او همچنین به عنوان همکار با «انستیتوت تحقیقات سیاست خارجی» و برنامه «مطالعات افراط‌گرایی» دانشگاه جورج واشنگتن فعالیت کرده است.

منبع: انستیتوت نیولاینز

تجاوز، شکنجه و قتل کودکان شریک است. به دنبال حملات متعدد اخیر در امریکای شمالی، دستگاه‌های امنیتی دوباره بر جامعه‌ای از زن‌ستیزهای خشن موسوم به «اینسل» متمرکز شده‌اند. اینسل، ترکیبی از دو واژه involuntary celibates است و به «مجردهای ناخواسته» ترجمه می‌شود. اعضای این جامعه از خشونت علیه زنان دفاع می‌کنند. کانادا اخیراً در اقدامی بی‌سابقه یک نوجوان را که در سالن ماساژ تورنتو یک زن را کشته و زن دیگری را زخمی کرده بود، به انجام حمله تروریستی متهم کرد. جنبش اینسل دنبال‌کنندگان آنلاین زیادی برای خود دست‌وپا کرده است. در این جامعه آنلاین، مردان اغلب جوان، فیمینیسم را انحطاط تمدن عنوان کرده و علیه آن اعتراض می‌کنند. آن‌ها می‌م‌هایی را با موضوع شکنجه و تجاوز بر زنان، با یکدیگر رد و بدل می‌کنند. خشونت اینسل در ایالات متحده ذیل تروریسم طبقه‌بندی نشده است و بسیاری استدلال کرده‌اند که این جنبش نتیجه تنهایی و انزوای جوانان است.

گرچه این حملات اهداف سیاسی ندارد، اما انگیزه خشونت، ایدئولوژیک است و هدف آن، ارباب زنان و جنبش‌های فیمینیستی. ویدیویی که از یک اینسلی معروف به نام «الیوت راجر» در یوتیوب درست قبل از حمله‌ی وی که شش کشته و ۱۴ زخمی برجای گذاشت، بارگزاری شده است، صدها نظر (کمنت) دریافت کرده که در آن کاربران از راجر به عنوان «شهید» نام برده‌اند که افسار زندگی خود را به دست خویش گرفت. یک جوان ۲۱ ساله اینسلی در سال ۲۰۱۴ به من نوشت: «در مقطعی از زندگی، شما را دیوانه می‌کند. من هیچ بیماری روانی ندارم. من صادق هستم. من پسر خوش‌رویی نیستم و گرچه چیزهای زیادی برای ارائه دارم، هیچ زنی حاضر نیست با من باشد. این مرا عصبانی می‌کند. آخر، این عادلانه نیست.»

تروریسم متنوع و غیرمتمرکز

تروریسم آینده نه‌تنها تنوع بیشتری خواهد داشت، بلکه از بسیاری جهات از منظر ساختار سازمانی و ایدئولوژی، پراکنده‌تر و غیریک‌دست‌تر خواهد بود. گروه‌ها و سازمان‌ها هنوز وجود خواهند داشت و در واقع نهادهای تروریستی مسلط خواهند بود، اما گرگ‌های تنها، گروهک‌ها و جنبش‌های اجتماعی خشونت‌آمیز در رادار ضدتروریسم دولت‌ها به نهادهای تروریستی ملحق خواهند شد. ایدئولوژی‌های انگیزاننده خشونت ممکن است سیاست‌گذاران را گیج کند، زیرا افراط‌گرایان خشن به طور فزاینده‌ای جذب ایدئولوژی‌های «سر میز سالادی» می‌شوند که سرتاسر اتاق را اشغال کرده اشاره به این‌که متنوع و فراوان است] و هر نوع سالادی وجود دارد و مهمان می‌تواند از هر کدام، [که گاه شاید عناصری از ایدئولوژی‌ها به ظاهر متناقض باشند]، تکه‌ای باب میل خود بردارد. در بسیاری موارد گروه‌های نئونازی مانند Atomwaffen و National Action یا اکوتورریست‌هایی همچون Individualidades Tendiendo a lo Salvaje از جهادگرایان عضو سازمان‌هایی همچون القاعده و داعش در پیام‌های خود نقل قول کرده‌اند یا از آن‌ها الهام گرفته‌اند. رهنمود جهادگرایان با عنوان «مدیریت توحش: خطرترین مرحله‌ای که امت اسلام از آن می‌گذرد» نه‌تنها نسل‌های اسلام‌گرایان مسلح را، بلکه، از قضا، لژیون‌هایی را که اساساً علت وجودی اعلام‌شده‌ی‌شان اسلام‌هراسی است، الهام بخشیده است.

و نکته آخر این‌که پیشرفت در فناوری‌های نوظهور در آینده به تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی کمک و آن‌ها را توانمندتر خواهد کرد. نتیجه این است که تروریست‌ها بیشتر، مکررتر و با مهارت بالاتر از سیستم‌های هوایی بدون سرنشین و یا هواپیماهای بدون سرنشین در عملیات‌های خود استفاده خواهند کرد. پیشرفت‌ها در حوزه ارزش‌های

پیشیمان است؛ چرا که خانه‌اش را ترک کرده و حتا ناتوان از تأمین مواد غذایی برای کودک دو ساله‌اش است. خانواده‌ی عبدالرحیم، یک مثال کوچک از آوارگی جنگ هستند و در هرات، شمار زیادی خانه و کاشانه‌شان را به‌دلیل شدت‌گیری جنگ‌ها ترک کرده‌اند.

کوچ از ترس نامنی

نامنی‌ها وارد فاز خطرناکی در هرات شده است. گروه طالبان با ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و نیروهای دولتی و بهره‌گیری از جنگ تبلیغاتی، باعث فرار برخی از هراتیان شده‌اند. حالا در ولایت هرات میزان تقاضا برای خروج از افغانستان افزایش یافته است. محمدشعیب یکی از باشندگان هرات، از روزی می‌ترسد که طالبان کنترل شهر هرات را به دست بگیرند. او حالا تنها یک گزینه در پیش دارد: ترک افغانستان و رفتن به ترکیه.

از دید محمدشعیب، هیچ تغییری در رویکرد طالبان مبنی بر دست‌کشیدن از جنگ رونما نگردیده و افغانستان احتمالاً با سناریوی جنگ داخلی روبه‌رو است و به همین خاطر، وی با همسر و فرزندش فرار را بر قرار در افغانستان ترجیح می‌دهد. او تمام داروندار زندگی‌اش را به فروش گذاشته و امیدوار هست که حدود ۸ هزار دالر امریکایی از فروش جایگاه‌هایش به‌دست بیاورد و با هرات، زادگاهش وداع کند: «رفتن قاچاقی به ترکیه سخت است و احتمال دارد که در مسیر راه کشته شوم، اما دیگر چاره‌ای نیست. می‌ترسم که طالبان هرات را بگیرند و آن‌وقت نتوانم فرار کنم.»

برای بسیاری از هراتیان که توان مالی رفتن به ترکیه را ندارند، ایران مقصد نزدیک‌تر است. محمود شاه، ساکن هرات نیز برای فرار از افغانستان می‌کوشد. او ایران را بستر مساعد برای زندگی می‌داند و امیدوار است که با فرار از فضای ملت‌هت‌افغانی افغانستان، زندگی نسبتاً خوبی برای خانواده‌اش فراهم سازد.

او خانه‌اش را به فروش گذشته و لحظه‌شماری می‌کند که با پیداشدن اولین مشتری، خانه‌اش را بفروشد، تا هزینه‌ی رفتن به ایران را تدارک ببخشد. اما عبدالصبور قانع، والی هرات در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز، از مردم می‌خواهد که افغانستان را ترک نکنند و به توانایی نیروهای دولتی باور داشته باشند.

«سرما به گذاران ناامید شده‌اند»

هرات با داشتن گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی، شهرک صنعتی بزرگ و حضور گسترده تاجران، به قطب اقتصادی افغانستان مشهور است، اما مشکلات امنیتی لرزش در این قطب مبنی بر فرار سرمایه و مغزها ایجاد کرده است.

زلمی سعیدی، معاون اتاق صنایع و معادن هرات در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که شعله‌ورشدن جنگ مردم هرات را ناامید کرده و به همین خاطر، فرار سرمایه شتاب بیش‌تری به‌خود گرفته است: «تاجران و صنعت‌گران از وضعیت امنیتی هرات ناامید شده‌اند و سرمایه‌های خود را به کشورهای ایران و ترکیه منتقل کرده‌اند.»

او با اشاره به شهرک صنعتی هرات می‌گوید که با افزایش دامنه جنگ، بخشی از کارخانه‌های تولیدی، به‌صورت متوقف یا نوبتی کار می‌کند: «اگر امنیت در هرات می‌بود، مردم سرمایه‌های خود را خارج نمی‌کردند و بی‌کاری بیش‌تر نمی‌شد.»

بر بنیاد آمار مسئولان در اتاق صنایع و معادن هرات هم‌اکنون بیش از ۱۵۰ کارخانه تولیدی در این شهرک فعالیت دارد. این در حالی است که شمار کارخانه‌ها در شهرک صنعتی به بیش از ۳۴۰ می‌رسد.

از دید تحلیل‌گران سیاسی، هرات به‌مثابه‌ی «مدینه فاضله» برای گروه طالبان است و با تسلط بر بخش‌های کلیدی و مهم آن دست بالاتری هم به لحاظ تأمین بودجه جنگی‌شان و هم به لحاظ چانه‌زنی‌شان در میز مذاکره با حکومت خواهند داشت.



قبرس با گسترش آتش سوزی بزرگ طبیعی درخواست کمک کرد

او از یونان و اسرائیل به خاطر قولی که برای اعزام هواپیماهای آتش نشانی به این جزیره واقع در مدیترانه داده اند تشکر کرد. این هواپیما قرار است در طول شب به قبرس برسد. ایتالیا هم هواپیماهایی اعزام کرده است.

یائیز لِنارجیچ، سرپرست مدیریت بحران کمیسیون اروپایی گفت که واکنشی هماهنگ در جریان است و «ظرفیت آتش نشانی هوایی» هم بسیج می شود. این کمیسیون گفت که ماهواره کوپرنیک اتحادیه اروپا فعال شده تا آتش سوزی را ردگیری و وضع ناحیه سوخته را ارزیابی کند.

هم اکنون چندین هلی کوپتر و هواپیما مشغول مبارزه با شعله ها هستند و به گزارش رویترز سربازان بریتانیایی با تجهیزاتی که بریتانیا در این جزیره دارد به این عملیات کمک می رسانند.

شمال شهرهای لیماسول و لارناکا است. آتش سوزی ابتدا نیمروز شنبه گزارش شد. واسوس واسیلیو از رهبران محلی در آراکاپاس که آتش سوزی در آن جریان دارد گفت: «مثل گردباد رد شد و همه چیز را نابود کرد.»

آتش نشان ها اکنون برای جلوگیری از عبور شعله های آتش از یک منطقه کوهستانی و سوختن جنگل ماچراس تقلا می کنند.

چارالامبوس الکساندرو، مدیر سازمان جنگلداری قبرس، به تلویزیون اومگا گفت: «این بدترین آتش سوزی جنگلی در تاریخ قبرس است.» به گفته او محیط آتش سوزی «حداقل به ۴۰ کیلومتر می رسد.» در همین حال نیکوس آناستاسیدس رییس جمهور قبرس گفت که این «روز خیلی سختی» برای قبرس است و «اولویت اطمینان از نجات جان مردم است.»

بادهای شدید آن را تقویت می کند، در حال گسترش در ناحیه جنوبی لیماسول است و باعث تخلیه چندین روستا شد.

ده ها ملک خسارت دیده اما ظاهرا تاکنون کسی در آن آسیب ندیده است. این آتش سوزی بعد از یک هفته موج گرما در قبرس روی می دهد، به طوری که دما به ۴۰ درجه سانتیگراد (۱۰۴ فارنهایت) رسید.

کارشناسان مدت هاست هشدار می دهند که تغییر اقلیم، فراوانی و شدت این نوع رویدادها مانند امواج گرما را بیشتر خواهد کرد، با این حال می گویند گره زدن یک رویداد خاص به گرمایش زمین کاری پیچیده است.

مقام های قبرس از اتحادیه اروپا و اسرائیل کمک خواسته اند که بعد از شدت گرفتن آتش در ناحیه

اطلاعات روز: قبرس از جامعه جهانی خواسته است به مقابله با یک آتش سوزی عظیم طبیعی، که مقام های این کشور آن را بدترین در تاریخ کشور توصیف می کنند، کمک کنند.

به نقل از بی بی سی فارسی، این آتش سوزی، که



کشتی هدف گرفته شده در اقیانوس هند «ارتباطی با اسرائیل ندارد»

اما بررسی های واحد مانیتورینگ بی بی سی نشان می دهد که این عکس متعلق به حمله دیگری است که دو سال پیش رخ داد.

اخیرا یک کشتی تجاری اسرائیل در منطقه هدف گرفته شده بود. به علاوه در نزدیک به یک سال اخیر رویدادهای امنیتی متعددی در ایران رخ داده است که به طور گسترده اسرائیل عامل آن قلمداد می شود.

در تل آویو می گوید هیچ یک از خدمه کشتی اسرائیلی نبوده اند و کسی هم کشته نشده است.

او نوشته: «عاملان حمله احتمالا فقط می خواستند پیغامی بدهند که اگر لازم باشد ما هم می دانیم چطور در دریا پاسخ بدهیم.»

چند رسانه ایرانی عکسی از یک کشتی در حال سوختن منتشر کرده اند که می گویند این کشتی را نشان می دهد،

وی تیندال» را چندین ماه پیش فروخته بود.

نیویورک تایمز به نقل از یک مقام امنیت ملی اسرائیل گزارش می دهد که تصور می شود این کشتی «هدف حمله یک هواپیمای بدون سرنشین ایران یا کماندوهای دریایی این کشور قرار گرفته باشد.»

این مقام هم گفت که کشتی دچار خسارات جزئی شده است. این روزنامه به نقل از منابع آگاه می نویسد که این کشتی اخیرا به شرکتی فروخته شده که هیچ ارتباطی با اسرائیل ندارد.

این حادثه ده روز پس از حمله ای به یکی از تاسیسات سازمان انرژی اتمی ایران در کرج روی می دهد که ایران گفت خنثی شد.

اما نیویورک تایمز می نویسد که تصاویر ماهواره ای نشان دهنده «خسارات قابل توجه» به این ساختمان است. اسرائیل در مورد آن حمله سکوت اختیار کرد.

این عکس ها (که در توییت زیر قابل مشاهده است) را شرکت امنیتی خصوصی در اسرائیل به نام «اینتل لب» منتشر کرده است.

داده های شرکت رهگیری تردهای دریایی، ریفینیتیو آیکان، نشان می دهد که تیندال که با پرچم لیبریا حرکت می کرد آخرین بار در بندر جدّه پهلو گرفته بود و اکنون در آب های نزدیک دویبی است.

امیر بوهوت، دبیر نظامی و امنیتی و بسایت خبری والا

اطلاعات روز: گزارش ها حاکیست یک کشتی باربری که در مسیر جدّه به امارات متحده عربی هدف حمله قرار گرفته تا چند ماه پیش متعلق به شرکتی تحت مدیریت یک اسرائیلی بوده است، اما حالا فروخته شده است.

به گزارش بی بی سی فارسی، ابتدا گفته می شد که این کشتی اسرائیلی است اما اکنون گزارش می شود که شرکت «دریانوردی زودیاک» متعلق به ایال اوفر، تاجر اسرائیلی، گفته که این کشتی متعلق به آن یا تحت مدیریت آن نیست.

خبر حمله روز شنبه را نخست شبکه لبنانی المیادین، نزدیک به حزب الله، گزارش داد و رسانه های اسرائیلی هم به نقل از منابع امنیتی آن را تایید کردند.

شبکه ان ۱۲ گزارش داد که مقام های اسرائیلی در حال بررسی نقش احتمالی ایران در حمله هستند. این شبکه اسرائیلی به نقل از منابع آگاه در تشکیلات دفاعی اسرائیل که از آنها نام نبرد گزارش داد که کشتی احتمالا هدف اصابت یک موشک قرار گرفته اما خسارت شدیدی ندیده و به راه خود ادامه می دهد.

شبکه ان ۱۲ گزارش داده بود که کشتی به نام تیندال تحت مالکیت شرکت بین المللی «دریانوردی زودیاک ال تی دی» که مقر آن در لندن است بود.

اما این شرکت اکنون اعلام کرده که کشتی «سی اس ای



بایدن:

براساس ارزیابی های اولیه حملات سایبری اخیر کار روسیه نبوده است

ناگزیر شد حدود پنج میلیون دلار در قالب رمز ارز به باج گیران بپردازد.

در حملات سایبری که با استفاده از باج افزار انجام می گیرد هکرها به شبکه کامپیوتری قربانی نفوذ کرده و با پیاده کردن یک سیستم رمز نویسی شده در این شبکه مانع ادامه فعالیت آن می شوند. تبهکاران در ازای کلید این نرم افزار رمز نویسی شده اقدام به باج خواهی می کنند.

امریکا در ماه های اخیر شاهد دو حمله سایبری دیگر نیز بوده است؛ اولی نفوذ هکرها به شبکه کامپیوتری چندین نهاد دولتی با استفاده از نرم افزار روزآمد شده «سولار ویندز» بود. مورد دوم هم رخنه در تعدادی از سرورهای هدایت کننده ای میل های شرکت «مایکروسافت» بود.

حمله سایبری با «سولار ویندز» به هکرها تحت حمایت روسیه نسبت داده شده است اما اختلال در سرورهای مایکروسافت احتمالا توسط یک کارزار جاسوسی سایبری چین صورت گرفته است.

تحقیق و تفحص کند.

رییس جمهوری امریکا اضافه کرد، من فردا اطلاعات بهتری در این خصوص خواهم داشت و اگر این (حمله سایبری) با اطلاع و یا نقش دولت روسیه انجام شده باشد، من به پوتین می گویم، ما پاسخ خواهیم داد.

شرکت امنیت سایبری «هانتس لیز» روز گذشته در خصوص حمله تازه سایبری اعلام کرد که در این حمله نرم افزار «وی اس ای» شرکت کاسیا (Kaseya) که خدمات فناوری اطلاعات و امنیت به کسب و کارهای کوچک و متوسط ارائه می کند، هدف حمله قرار گرفت. ماه گذشته نیز یک گروه هکر - که احتمال می رود در روسیه مستقر باشند - به شبکه کامپیوتری شرکت «کلونیا» که بزرگترین خط لوله انتقال سوخت در امریکا است حمله کرد. تحت تاثیر این حمله که با استفاده از باج افزار صورت گرفت انتقال بنزین و گازوئیل در بخش های گسترده ای از مناطق شرقی امریکا مختل شد.

شرکت «کلونیا» در نهایت برای حل این مشکل

خبرنگاران گفت، دستور داده ام که با استفاده از همه منابع در این باره تحقیق کنند، تا اگر پاسخی لازم است، تشخیص داده شود.

رییس جمهوری امریکا گفت، ما مطمئن نیستیم که این کار روسیه بوده است. در مسیر پرواز هواپیما، من گزارش اطلاعاتی در این زمینه را دریافت کردم. ارزیابی های اولیه نشان می دهد کار دولت روسیه نبوده است، اما ما هنوز مطمئن نیستیم.

شرکت امنیت سایبری «هانتس لیز» روز گذشته اعلام کرد که صدها شرکت امریکایی هدف حمله یک «باج افزار» قرار گرفتند و احتمالا تعداد این شرکتها نیز افزایش خواهد یافت.

زمان این حمله به لحاظ سیاسی از حساسیت برخوردار است چرا که چند هفته پیش جو بایدن در دیدار ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه از او خواسته بود تا جلوی حملات سایبری را بگیرد.

جو بایدن در ادامه گفت، من از جامعه اطلاعاتی خواسته ام تا به طور اساسی و عمیق در این زمینه

اطلاعات روز: جو بایدن، رییس جمهوری امریکا روز شنبه ۱۲ سرطان گفت که بررسی های اولیه نشان می دهد دولت روسیه در حملات اخیر سایبری به شرکت های امریکایی دست نداشته است و او دستور تحقیق کامل در این زمینه را صادر کرده است.

به گزارش رادیو فردا، جو بایدن در میشیگان به



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

zaki.daryabi2@gmail.com

۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

• سردبیر چاپی: خادم حسین کریمی

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارشگران و خبرنگاران: ابوذر ملک نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت الله سروش، لطف علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

• واعد روحانی و فریضه عالمی

• بخش صلح: حسین علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرزی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهریار

• صفحه آرا: محمدرضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ - ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

• آدرس: کابل، کارته سه

هفت ماه پس از نشست ژنو؛ شرطها چه بود و تعهدات چقدر اجرا شد؟

نذیراحمد کبیری، معین پالیسی وزارت مالیه، مدعی است که با وجود همه چالشها و دشواریها، کم از کم ۵۰ درصد از شرطها و وعدههای نشست ژنو از سوی دولت افغانستان عملی شده است. اما نمیگوید که در کدام بخشها چه کاری انجام شده است.

متأسفانه برعکس این امر همهروزه دهها تن از شهروندان ملکی و نظامی در ولایت‌های مختلف کشور کشته و زخمی می‌شوند.

اما هلمند هلمند رییس کمیسیون امور بین‌المللی مجلس نمایندگان در حالی که از کشوری نام نمی‌برد، آتش‌بس سراسری و جلوگیری از کشت و قاچاق مواد مخدر را بالاتر از توان دولت افغانستان دانسته، می‌گوید که در این دو مسأله دستان بیرونی شریک‌اند و دولت افغانستان کاری کرده نمی‌تواند.

چنان‌که به تازگی، معینیت مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخلی کشور، از افزایش ۴۵ درصدی کشت و تولید مواد مخدر در مقایسه با سال گذشته خبر داده و پیش از این، سازمان ملل متحد نیز گزارش مشابهی در این باره منتشر کرده است.

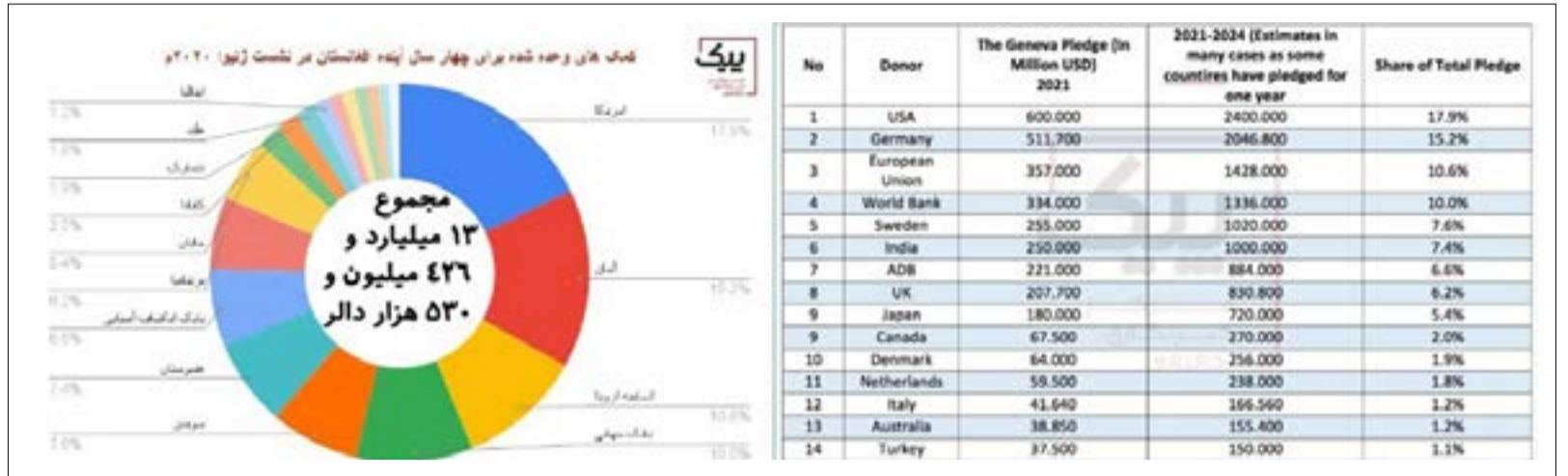
باین‌هم مقام‌های دولت افغانستان به این باورند که جامعه‌ی جهانی همان‌گونه که در نشست‌های توکیو، لندن و بروکسل در دو دهه‌ی پسین با درک نیازمندی‌های مردم افغانستان به کمک‌های‌شان ادامه داده‌اند، در آینده نیز ادامه خواهند داد. اما با تفاوت این‌که نشست ژنو همزمان با آغاز خروج نیروهای ناتو از افغانستان رقم خورده است.

نذیراحمد کبیری، معین پالیسی وزارت مالیه، مدعی است که با وجود همه چالش‌ها و دشواریها، کم از کم ۵۰ درصد از شرطها و وعده‌های نشست ژنو از سوی دولت افغانستان عملی شده است. اما نمی‌گوید که در کدام بخش‌ها چه کاری انجام شده است.

آقای کبیری در گفت‌وگو با خبرنگار پیک، می‌پذیرد که پیش از این مدیریت، نظارت و مسئولیت گزارش‌دهی از عمل‌کرد حکومت در پیوند به نشست‌های اقتصادی بین‌المللی برای افغانستان، از وزارت مالیه بود، اما سر از برگزاری نشست ژنو، این مسئولیت به اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری انتقال کرده است.

باین‌حال مسئولان اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری، از پیشرفت‌ها در تطبیق وعده‌های نشست ژنو سخن گفته و در پاسخ به تقاضای اطلاعات خبرنگار پیک نگاشته‌اند: «کمیته‌های تخنیک‌ی زیرنظر اداره معینان و رییسان در نهادهای مستقل و وزارتخانه‌ها ایجاد شده، برای ۷۶ اداره دولتی، پلان عمومی و پلان سال روان میلادی شریک شده که با تکمیل و توحید آن با ریاست‌جمهوری و جامعه‌ی جهانی شریک خواهد شد.»

مسئولان اداره‌ی امور به استثنای همین پاسخ کتبی، به پرسش‌های کلیدی گزارش و همچنان توضیح و تشریح «پلان عمومی» و «کارکرد کمیته‌های یادشده»، هیچ پاسخی ارائه نکرده‌اند.



خودکفایی است؟»
یک ماه پیش هم رییس‌جمهور غنی در نشستی زیر نام «فرصت تغییر بازی؛ خروج نیروهای ناتو و امریکا از افغانستان» در دانشگاه کابل گفت: «حداقل دو میلیارد دالر از کمک‌های بین‌المللی، بسیار زود می‌رسد.» اما نگفت که این پول، شامل کمک‌های وعده‌شده‌ی نشست ژنو بوده یا از کدام مجرای دیگری می‌رسد.

وزارت مالیه در این باره چیزی نمی‌داند، اما آقای هلمند رییس کمیسیون امور بین‌المللی مجلس نمایندگان، شک دارد که این پول شامل همین کمک‌های وعده‌شده‌ی نشست ژنو است و به احتمال بیش‌تر در صورت ناکامی حکومت، این پول‌ها به دولت افغانستان نخواهد رسید.

تعهد و عمل‌کرد دولت افغانستان

یک روز پس از نشست ژنو، ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان با استقبال از کمک‌های وعده‌شده‌ی جامعه‌ی جهانی در این نشست اعلام کرد که این کشور به تعهدات خود در زمینه‌ی شفافیت و حسابداری از طریق تطبیق برنامه‌ها در روشنی سند چارچوب صلح و توسعه، به مردم افغانستان و شرکای بین‌المللی، پاسخ‌گو بوده و به تطبیق و تحقق آن تأکید می‌کند.

تعهدی که به باور برخی از آگاهان مسائل سیاسی و نمایندگان مردم در شورای ملی، نشانه‌ای از عمل‌کرد آن به‌نظر نمی‌رسد.

شهبلا فرید آگاه مسائل سیاسی و حقوقی و استاد دانشگاه کابل، به این باور است که نقش و حضور معنادار زنان در پروسه‌ی صلح و حکومت‌داری، تعهد تازه‌ای نیست. چنان‌که دولت افغانستان پیش از این هم در تطبیق پلان عمل قطع‌نامه‌ی ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد ناکام بوده است.

بر بنیاد معلومات کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، هنوز هم دولت افغانستان نتوانسته حداقل سهم ۳۰ درصد زنان در نهادهای دولتی را تکمیل کند. آتش‌بس سراسری، مبارزه با فساد و جلوگیری از کشت و قاچاق مواد مخدر، از دیگر مهم‌ترین تعهداتی‌اند که به باور برخی آگاهان و نمایندگان مردم، ناکامی دولت افغانستان را در امر عملی‌شدن این تعهدات به‌وضوح نشان می‌دهد.

به باور آقای صرم، مهم‌ترین شرطی که در اولویت آمده (آتش‌بس فوری و سراسری)،

شده است به‌طور مناسب حفظ و اجرا کند. در گفت‌وگوی منظم و صریح خود با دولت افغانستان، ما این موضوع را پی‌گیری خواهیم کرد.»

سفارت جاپان در این نامه افزوده است که این کشور مطابق به تعهد نشست ژنو تا چهار سال آینده، هرسال ۱۸۰ میلیون دالر را در بخش‌های مختلف برای افغانستان کمک خواهد کرد.

کمک‌های وعده‌شده (رسمی و شفاهی)

وزارت مالیه کشور، کل کمک‌های وعده‌شده‌ی این نشست را بیش از ۱۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دالر برای چهار سال آینده اعلام کرده و افزوده است که از میان ۶۶ کشور و ۳۲ سازمان بین‌المللی اشتراک‌کننده در نشست ژنو، اتحادیه اروپا، بانک جهانی، بانک توسعه‌ی آسیایی، سازمان سارک و ۲۳ کشور دیگر، از جمله کمک‌کننده‌هایی‌اند که این مقدار پول را «وعده‌ی شفاهی» کرده‌اند. از این میان، تنها سازمان سارک و کشورهای آلمان و دنمارک ضمن ارائه سند امضا شده، بیش از ۲۱۷ میلیون دالر را در سال روان میلادی برای دولت افغانستان «وعده‌ی رسمی» کرده‌اند.

این کشورها ضمن وعده‌ی کمک شفاهی بیش از ۳ میلیارد و ۳۵۶ میلیون دالر در سال ۲۰۲۱، ادامه‌ی رسمی کمک‌ها تا چهار سال آینده را مشروط بر عملی‌شدن شرطها و تعهدات از سوی دولت افغانستان اعلام کرده‌اند.

کمک‌هایی که در مقایسه با نشست بروکسل در سال ۲۰۱۶ کم از کم ۱۵ درصد کاهش یافته است. هرچند مسئولان وزارت مالیه، کاهش کمک‌ها برای افغانستان در نشست‌های یک دهه‌ی پسین را یک روند معمول دانسته، می‌گویند: «به هر اندازه که عواید بالا می‌رود، سطح کمک‌ها کاهش می‌یابد و این یک روند روبه خودکفایی برای افغانستان است.»

اما برخی از آگاهان مسائل اقتصادی، به این باورند که افغانستان در حال حاضر با بدترین وضعیت اقتصادی روبه‌روست و کلان‌ترین عامل کاهش کمک‌ها نیز ناکامی حکومت در اجرای وعده‌های این کشور به جامعه‌ی جهانی است.

صمیم صرم کارشناس مسائل اقتصادی و استاد دانشگاه، می‌گوید: «در حالی که چندین سال است، افغانستان در بدترین وضعیت اقتصادی به‌سر می‌برد، این چگونه روند روبه

نشست ژنو به تاریخ ۱ قوس ۱۳۹۹ در نشست استجوابیه مجلس نمایندگان گفته بود: «نشست ژنو به هدف تمویل برنامه‌های توسعه‌ی افغانستان از سوی جامعه جهانی برگزار می‌شود و محور اصلی آن روی مسائلی مانند انرژی، ترانسپورت، آموزش و پرورش، صحت و زراعت خواهد بود.» اما آن‌چه جامعه‌ی جهانی برای ادامه‌ی کمک‌ها و همکاری‌های‌شان با دولت افغانستان در نشست ژنو عنوان کرده است، عبارتند از ده شرط اساسی که قرار ذیل‌اند:

- حفظ و تقویت دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ۲۰ سال پسین،
- استقرار آتش‌بس فوری و سرتاسری،
- متعهد به دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر،
- متعهد به انجام گفت‌وگوهای صلح و تطبیق مفاد و نتایج آن،
- مبارزه‌ی معنادار و عینی با فساد،
- احترام به تعهدات بین‌المللی و نهادهای دولتی افغانستان،
- پیروی از اهداف توسعه‌ی پایدار ملل متحد،
- جلوگیری از استفاده‌ی هراس‌افکنان از خاک افغانستان در برابر سایر کشورها،
- ادامه‌ی چارچوب پاسخ‌گویی متقابل میان دولت افغانستان و جامعه‌ی جهانی،
- تسهیل فعالیت‌های توسعه‌ی و بشردوستانه مشمول رفع موانع و مالیات غیرقانونی از راه فعالیت‌های کمک‌رسانی.

به باور برخی از آگاهان مسائل سیاسی، این شرطها دولت افغانستان را به چالش کشیده است.

صمیم صرم استاد دانشگاه و تحلیل‌گر مسائل سیاسی و اقتصادی، به این باور است که جامعه‌ی جهانی مانند گذشته‌ها چک سفید نه بلکه چک مشروط به دولت افغانستان داده است و اگر این شرطها عملی نشوند، افغانستان بار دیگر دستخوش یک بحران اقتصادی خواهد شد.

اما نذیراحمد کبیری معین پالیسی وزارت مالیه، می‌گوید که از سال ۲۰۱۰ به این‌سو هیچ کمک جامعه‌ی جهانی بدون شرط نبوده و این روند مشروط، ادامه خواهد داشت.

سفارت جاپان در کابل، افزون بر اظهار نگرانی از عملی‌نشدن تعهدات این نشست به پاسخ ایمیل خبرنگار پیک، نوشته است: «اگرچه ما از تطبیق شرطهای ذکر شده مطمئن نیستیم، اما اهداکنندگان بین‌المللی انتظار دارند دولت افغانستان اصول و اقداماتی را که در چارچوب مشارکت افغانستان توصیف

عبدالطلب فراجی

اشاره: این گزارش توسط مرکز تحقیقی پیک تهیه شده و اطلاعات روز در مورد ادعاهای مطرح‌شده در این گزارش مسئولیتی ندارد. اطلاعات روز در یک تفاهم رسانه‌ای این گزارش را نشر می‌کند. مسئولیت محتوایی و حقوقی این گزارش برمی‌گردد به مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک.

باگذشت هفت ماه از برگزاری نشست ژنو برای افغانستان، تنها یک‌ونیم درصد از کمک‌های وعده‌شده عملی شده، اما از عملی‌شدن وعده‌های دولت افغانستان خبری نیست.

مرکز خبرنگاری تحقیقی پیک در یک بررسی تازه از چگونگی پیش‌رفت‌ها و عمل‌کردهای دولت افغانستان و کشورهای کمک‌کننده در امر تطبیق شرطها و وعده‌های اعلام‌شده‌ی نشست ژنو، دریافته است که از مجموع بیش از ۱۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دالر کمک وعده‌شده‌ی این نشست، تنها ۲۳۳ میلیون و ۴۰۰ هزار دالر از سوی کشورهای آلمان و دنمارک و سازمان جهانی سارک (اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا) به حساب دولت افغانستان رسیده است.

ضمن تقاضای اطلاعات خبرنگار پیک از برخی سفارت‌های کشورهای کمک‌کننده در کابل، تنها سفارت جاپان به پاسخ ایمیل پیک، از پرداخت ۱۳۵ میلیون دالر به دولت افغانستان خبر داد، اما وزارت مالیه این رقم را تأیید نکرد.

نشست ژنو که به‌منظور جلب کمک‌های مالی جهان برای افغانستان، در روزهای ۲۳ و ۲۴ نوامبر ۲۰۲۰ به میزبانی کشور فنلند، سازمان ملل متحد و دولت افغانستان به‌گونه‌ی برخط (آنلاین) با شرکت نمایندگان ۶۶ کشور و ۳۲ سازمان بین‌المللی برگزار شده بود، با اعلام بیش از ۱۳ میلیارد دالر «کمک مشروط» برای چهارسال آینده‌ی دولت افغانستان، پایان یافت.

آتش‌بس فوری و سراسری، حمایت از روند صلح با حفظ دستاوردهای دو دهه‌ی پسین، نقش و حضور پرمعنای زنان در روند صلح افغانستان، از مهم‌ترین شرطهای کشورهای کمک‌کننده در این نشست اعلام شده است. آن‌چه که به باور شهبلا فرید، استاد دانشگاه کابل، نقش معنادار زنان در پروسه‌ی صلح افغانستان، به هیچ درصدی نمی‌رسد.

شرط‌های ده‌گانه‌ی کشورهای کمک‌کننده

عبدالهادی ارغندیوال، وزیر پیشین وزارت مالیه کشور، دقیقاً دو روز پیش از برگزاری



دکترهنی، اوبولگولواومالداری وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات امریت تدارکات امور ساختمانی مدیریت عمومی تدارکات امور ساختمانی

د افغانستان اسلامي جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان



«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد قرارداد اعمار و نصب ۱۶ باب گرین‌هاوس در فارم‌های مرکزی وزارت دارای کد نمبر MAIL/PD/NCB/W/251/1400 را به شرکت ساختمانی شاه‌مجلی‌الدین‌چرخي دارنده جواز نمبر (D-۳۲۲۷۵) واقع سرک پوهنتون جمال‌مینه مرکز کابل افغانستان به قیمت مجموعی ۹,۵۵۹,۵۲۰ (نه‌میلیون و پنج‌صد و پنجاه و نه‌هزار و پنج‌صد و بیست افغانی) اعطاء نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع جمال‌مینه ناحیه سوم، کابل، افغانستان مطابق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.



تاجیکستان نیز به نوبه خود از احمدشاه مسعود، فرمانده تاجیک که به عنوان «شیر پنجشیر» شناخته می‌شد، حمایت کرد.

حالا که نیروهای دولتی افغانستان در حال عقب‌نشینی‌اند، احتمالاً عناصری در تاشکند و دوشنبه به دنبال گروه‌های نیابتی در افغانستان هستند تا از مرز تاجیکستان و ازبیکستان محافظت کنند. گروه طالبان احتمالاً خیلی مایه نگرانی این کشورها نیست. آن‌چه زنگ خطر را در آسیای میانه به صدا در می‌آورد، اسلام‌گرایان تندرو از خود تاجیکستان و ازبیکستان است که در صف طالبان یا سایر گروه‌های شبه‌نظامی می‌جنگند.

بزرگترین دلیل نگرانی ازبیکستان و تاجیکستان احتمالاً شهروندان خود این کشورها هستند که در صفوف گروه‌هایی مانند دولت اسلامی خراسان یا گروه‌های افراطی آسیای میانه که اکنون در خاک افغانستان فعالیت می‌کنند، می‌جنگند. این گروه‌ها عبارتند از گروه جماعت انصارالله تاجیکستان و گروه‌های عمدتاً ازبیک مانند اتحاد جهاد اسلامی، کتیبه امام بخاری، کتیبه التوحید و الجهاد و یا بازماندگان جنبش اسلامی ازبیکستان است.

ترکمنستان با اتخاذ سیاست بی‌طرفی همواره سعی کرده است از درگیری‌های داخلی افغانستان دور باشد.

در ماه مارچ ۲۰۱۹ هنگامی که حدود ۱۰۰ سرباز دولتی افغانستان تلاش کردند از پیشروی طالبان در ولسوالی مرغاب ولایت بادغیس به ترکمنستان فرار کنند، توسط مرزبانان ترکمنستان برگشت داده شدند. این امر به اسارت آن‌ها توسط طالبان منجر شد.

چهار سال قبل مرزبانان ترکمن گروهی از جنگجویان طالبان را برگشت دادند که از حمله شبه‌نظامیان تحت فرماندهی مارشال دوستم در ولسوالی خم‌آب ولایت جوزجان فرار کرده بودند.

اکنون و با توجه به تصمیم تاشکند برای بازگرداندن ۵۳ نظامی طرفدار دولت افغانستان به خاک افغانستان، به نظر می‌رسد ازبیکستان نیز سعی می‌کند از مدل ترکمنستان در مواجهه‌اش با افغانستان پیروی کند.

در مقابل، دوشنبه اجازه داد تا سربازان فراری افغانستان به‌طور مؤقت در تاجیکستان بمانند. زخمی‌های این سربازان در شفاخانه‌های دوشنبه مداوا شدند.

یودگور فیضوف، رییس منطقه شرقی گورنو-بدخشان تاجیکستان در جلسه رؤسای منطقه در ۲۱ جون گفت که آن‌ها باید آماده پذیرش حداقل ۵ تا ۱۰ هزار پناهنده از افغانستان باشند.

با ادامه درگیری‌ها در خاک افغانستان در مناطق هم‌مرز با تاجیکستان، ترکمنستان و ازبیکستان، حکومت‌های این کشورها احتمالاً بخواهند توافق‌نامه‌های دفاعی و امنیتی دوجانبه و چندجانبه‌ای را که با یکدیگر دارند، بازنگری کنند.

بروس پنیه، کارشناس امور آسیای میانه و نویسنده ویلاگ «آواز قشلاق» رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی است.

در آن‌زمان هیچ گزارشی از درگیری در ولسوالی شورته‌په منتشر نشده بود. اما اخیراً گزارش‌هایی از جنگ در ولایت بلخ در جنوب مرز ازبیکستان منتشر شده است.

معامله‌ها با طالبان

طالبان در ۱۲ جون برای مدت کوتاهی ولسوالی بلخ را تصرف کردند. اما نیروهای دولتی تا ۲۲ جون این منطقه را پس گرفتند.

سایر ولسوالی‌های این ولایت مانند چیمتال، در جنوب‌غرب ولسوالی بلخ، نیز در هفته‌های اخیر شاهد درگیری بوده است.

با توجه به این‌که تاجیکستان، ترکمنستان و ازبیکستان شاهد این تحولات در مرزهای خود با افغانستان هستند، مطمئناً دولت‌های سه کشور از گزارش‌ها درباره عقب‌نشینی نیروهای دولتی افغانستان آگاهند.

گزارش شده که در برخی موارد علت عقب‌نشینی نیروها نبود مهمات و نرسیدن نیروهای کمکی بوده است. در موارد دیگر، آن‌ها با طالبان معامله کرده‌اند و در ازای امنیت جان‌شان، سلاح‌ها و تجهیزات خود را رها کرده‌اند. فضا برای خوش‌بینی وجود ندارد. تصور این‌که نیروهای دولتی افغانستان بتوانند مدت طولانی در برابر طالبان در شمال افغانستان مقاومت کنند، به ویژه پس از تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، دشوار است.

حکومت در کابل از هم‌اکنون نشان داده است که می‌خواهد نیروهای شبه‌نظامی نقش بیشتری در جنگ با طالبان ایفا کنند.

اما این مسأله معضلی قدیمی را برای حکومت‌های تاجیکستان و ازبیکستان ایجاد می‌کند.

در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ زمانی که جنگ‌جویان طالبان در بیشتر مناطق شمال افغانستان در حال پیشروی بودند، ازبیکستان از عبدالرشید دوستم، فرمانده ازبیک در شمال افغانستان و چهره جنجالی که اغلب به عنوان جنگ‌سالار توصیف می‌شود، حمایت کرد.

گروه طالبان احتمالاً خیلی مایه نگرانی این کشورها نیست. آن‌چه زنگ خطر را در آسیای میانه به صدا در می‌آورد، اسلام‌گرایان تندرو از خود تاجیکستان و ازبیکستان است که در صف طالبان یا سایر گروه‌های شبه‌نظامی می‌جنگند.

بازگشت جنگ‌جویان طالبان به مرزهای آسیای میانه

بروس پنیه، رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی
 مترجم: جلیل پژواک

پیشروی سریع جنگ‌جویان طالبان از ابتدای ماه می در شمال افغانستان دولت‌های آسیای میانه را که فکر می‌کردند برای بازنگری سیاست‌های خود در قبال افغانستان با توجه به خروج نیروهای خارجی از این کشور وقت کافی دارند، غافل‌گیر کرده است. نبرد به مرزهای شمالی افغانستان کشیده شده و در مواردی، از هم‌اکنون، آسیای میانه را درگیر خود کرده است.

به نظر می‌رسد شکست نیروهای دولتی افغانستان در ۲۲ جون در شهر شیرخان بندر - گذرگاه مرزی حیاتی با تاجیکستان - به همان اندازه که برای ۱۳۴ سرباز فراری افغانستان غافلگیرکننده بود، مقامات آسیای مرکزی را نیز به شدت تکان داده است. این ۱۳۴ سرباز از حمله طالبان به شیرخان بندر، به خاک تاجیکستان فرار کرده بودند. همچنین وزارت خارجه ازبیکستان تأیید کرده است که ۵۳ نظامی و شبه‌نظامی مسلح تبعه افغانستان در ۲۳ جون به خاک ازبیکستان گریخته بودند. تاشکند می‌گوید که مقامات ازبیکستان پس از بازجویی از این سربازان و شبه‌نظامیان، آن‌ها را پس به افغانستان فرستاده‌اند.

گفته می‌شود که هر سه ولسوالی ولایت قندز - ولسوالی امام صاحب که شیرخان بندر در آن واقع شده، ولسوالی دشت ارچی و ولسوالی قلعه زال - که با تاجیکستان هم‌مرز است، در تاریخ ۲۵ جون تحت کنترل طالبان درآمدند.

گفته می‌شود که مناطق جنوبی ولسوالی علی‌آباد نیز تحت کنترل طالبان درآمده است. اما گزارش طلوع‌نیوز گفت که علی‌آباد توسط نیروهای دولتی بازپس گرفته شده است.

طلوع‌نیوز در ۲۱ جون گزارش داد که هشت ولسوالی از ۱۲ ولسوالی تخاریا طی هفته گذشته به دست طالبان سقوط کرده یا نیروهای امنیتی افغانستان از آن خارج شده‌اند.

این ولسوالی‌ها شامل چال، بهارک، اشکمش، چاه‌آب، ینگلی قلعه، خواجه غار و هزار سموچ است.

در گزارش طلوع‌نیوز گفته شد که خواجه غار و ولسوالی دیگری به نام بنگی خیلی زود دوباره توسط نیروهای دولتی پس گرفته شد.

ینگلی قلعه و چاه‌آب هر دو با تاجیکستان هم‌مرز هستند و همچنین ولسوالی درقد چندین سال است تحت کنترل طالبان بوده است.

گفته می‌شود که مرکز ولایت تخار، شهر طالقان، نیز در محاصره نیروهای طالبان قرار گرفته است.

در میان ولایات شمالی که با ترکمنستان و تاجیکستان هم‌مرزند، ولایت بلخ تنها ولایتی است که با ازبیکستان نیز مرز مشترک دارد. سال‌هاست که ولایت بلخ با مرکزیت شهر مزارشریف در برابر حملات و دست‌درازی‌های طالبان مقاومت کرده است.

اما ۵۳ سرباز و شبه‌نظامی که در ۲۳ جون به ازبیکستان گریخته بودند، از ولسوالی شورته‌په ولایت بلخ عبور کردند. در بیانیه وزارت امور خارجه ازبیکستان توضیحی در مورد دلیل عبور این گروه از مرز به خاک ازبیکستان داده نشده است.



تشدید جنگ
 هشت ولایت نوار شمال‌غربی، شمالی و تا حدودی شمال‌شرقی افغانستان از جمله هرات، بادغیس، فاریاب، جوزجان، بلخ، قندوز، تخار و بدخشان با جمهوری‌های شوروی سابق در آسیای میانه هم‌مرز هستند.

این ولایات طی بیشتر دهه اول حضور نیروهای امریکایی در افغانستان نسبتاً آرام بودند و ترکمنستان، ازبیکستان و تاجیکستان دلیل چندان‌نی برای نگرانی نداشتند.

اما از سال ۲۰۱۳ به بعد در این ولایات، نیروهای امنیتی افغانستان به‌طور فزاینده‌ای درگیر نبرد با طالبان و سایر شبه‌نظامیان بوده‌اند. در مواردی، درگیری‌ها درست در لبه‌ی مرز افغانستان با ترکمنستان و تاجیکستان رخ داده است. حتا گاهی اوقات گلوله‌های سرگردان در خاک این کشورها فرود آمده است.

سرویس ترکمنستان رادیو آزادی در تاریخ ۲۵ جون گزارش داد که شهر اندخوی ولایت فاریاب یک روز قبل به دست طالبان سقوط کرد. بعداً گزارش شد که نیروهای دولتی در ۲۵ جون در حال راه‌اندازی ضدحمله علیه طالبان در اندخوی بودند که فقط ۱۰ کیلومتر با ترکمنستان فاصله دارد.

شهر آقینه در نزدیکی اندخوی حدود ۳۰ کیلومتر از مرز ترکمنستان فاصله دارد و بندر زمینی و ایستگاه راه آهن برای تنها خط ریل بین افغانستان و ترکمنستان در آن واقع شده است. این شهر همچنین حلقه‌ی کلیدی برای مسیر ترانزیتی لاپس لازولی است که افغانستان را با ترکیه و اروپا وصل می‌کند.

طلوع‌نیوز، رسانه‌ی خصوصی در افغانستان، در ۱۹ جون گزارش داد که نیروهای طالبان منطقه خواجه سبزپوش فاریاب را تصرف کردند. همچنین گزارش شد که در خارج از شهر میمنه، مرکز ولایت فاریاب، درگیری‌ها جریان دارد.

در ولایت بادغیس، جنگ در ولسوالی‌های مرغاب و غورماچ از سال ۲۰۱۴ بدینسو شعله‌ور بوده است.

در ماه فبروری ۲۰۱۴، شبه‌نظامیان از بالامرغاب وارد خاک ترکمنستان شدند و سه مرزبان ترکمن را کشتند. چند ماه بعد، شبه‌نظامیان از ولسوالی غورماچ از مرز عبور کردند، سه سرباز ترکمن را کشتند و سلاح‌های آنان را با خود بردند.

در ولایت جوزجان در شرق فاریاب، گزارش می‌شود که